



Investigation of exchange rate fluctuations on economic indicators and its management mechanism

Nezamali Vafaei*

1. Master of Rural Development, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran
Credit Expert of Management of Bank keshavarzi, Hamadan Province

Abstract

Exchange rate fluctuations are of particular importance in macroeconomic issues due to their impact on other economic variables. Agriculture, oil, industry and services are the most important variables that are affected by currency fluctuations. Given that there have been several fluctuations in exchange rates in Iran over the past three decades, it is important to study the effect of exchange rate fluctuations on economic indicators. The purpose of this study is to investigate the effect of exchange rate fluctuations on Iran's economic indicators. For this purpose, using annual data during the period 1991 to 2016 and using the VAR vector error correction model, the relationships between variables were examined. Therefore, in this study, the effect of real exchange rates on macroeconomic variables of the country was investigated. The results of the study indicate that the value added of the oil sector has the greatest impact on the real exchange rate. In addition, the results of the impulses of the immediate reaction and standard deviation show that if we enter a shock from the exchange rate, the oil sector variable will see the greatest effect of this shock.

Keywords: Currency, Economy, Momentum, Macro variables, Stability.

* Corresponding author: Nezamali Vafaei, Nezamali.vafaei@yahoo.com



بررسی نوسانات نرخ ارز بر شاخص‌های اقتصاد و سازوکار مدیریت آن

کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
کارشناس اعتباری مدیریت بانک کشاورزی استان همدان

نظامعلی وفايي*

چکیده

نوسانات نرخ ارز به علت اثرگذاری بر سایر متغیرهای اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای در مباحث کلان اقتصادی برخوردار است. کشاورزی، نفت، صنعت و خدمات از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که تحت تأثیر نوسانات ارزش ارز قرار می‌گیرند. با توجه به این که در طی سه دهه گذشته نوسان‌های متعددی در نرخ ارز در ایران وجود داشته است، مهم است که بتوان تأثیر نوسانات ارزش ارز بر شاخص‌های اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد. هدف این مطالعه بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر شاخص‌های اقتصادی ایران است. بدین منظور با استفاده از داده‌های سالیانه طی دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ و با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری VAR روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین در این پژوهش به بررسی اثر نرخ ارز واقعی روی متغیرهای کلان اقتصاد کشور پرداخته شد. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که ارزش افزوده بخش نفت بیش‌ترین اثر را روی نرخ ارز واقعی می‌گذارد. علاوه بر این نتایج حاصل از تکانه‌های واکنش آنی و انحراف معیار نشان دهنده این است که چنانچه شوک از سوی نرخ ارز وارد کنیم متغیر بخش نفت بیش‌ترین اثر را از این شوک می‌بیند.

واژگان کلیدی: ارز، اقتصاد، تکانه، متغیرهای کلان، ثبات.

۱. مقدمه

نوسانات نرخ ارز به لحاظ نظری و عملی، می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد کسب و کارها تأثیر بگذارد. هنگامی که یک کسب و کار با بی‌ثباتی نرخ ارز رو به رو باشد، نمی‌تواند پیش‌بینی‌های لازم را به صورت دقیق انجام دهد و برنامه‌ریزی برای آینده در این شرایط بسیار دشوار و نامطمئن خواهد شد (رشید و واکار، ۲۰۱۷). عملکرد کسب و کارها، عملکرد کلی اقتصاد را شکل می‌دهد و بر آن اثر می‌گذارد. اقتصادی موفق است که شرکت‌های فعال در آن موفق باشند. از این رو نرخ ارز و نوسانات آن اثرات مختلفی بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌تواند داشته باشد. همواره میزان و نحوه اثرگذاری نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی یکی از مهم‌ترین بحث‌های دامنه‌دار در اقتصاد کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. نوسانات نرخ ارز همچنین بر صادرات و واردات کسب و کارها نیز مؤثر است (لیانگ، ۲۰۱۶). اگر نرخ ارز (مثلاً قیمت مبادله دلار با ریال)، یک کشور بالا رود، چون در بازار جهانی کالای صادراتی آن کشور ارزان شده است و در بازار داخلی قیمت کالای خارجی افزایش یافته است، پس طبق قانون تقاضا، صادرات افزایش می‌یابد. فاکتورهای اصلی مؤثر در نرخ تبدیل ارز عبارت هستند از: تراز پرداخت‌ها و رابطه بین عرضه و تقاضای ارز، برابری قدرت خرید، سیاست‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری، مداخله بانک مرکزی در بازار و غیره.

نرخ‌های ارز دارای اهمیت حیاتی برای اقتصادهای باز هستند. به دلیل تأثیر نرخ ارز بر قیمت‌های نسبی کالاها بین کشورهای داخل و خارج، تقاضای این کالاها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از این رو تولید کل و سطح قیمت‌ها در یک اقتصاد باز با نوسانات نرخ ارز تغییر خواهند کرد. تأثیر این نوسانات بر قیمت‌های داخلی همواره یکی از موضوعات مورد علاقه در ادبیات اقتصاد کلان بین‌الملل بوده است. چرا که این نوسانات نقش مهمی در انتقالات بین-المللی شوک‌ها و سیاست‌های بین‌المللی دارند. یکی از دلایل علاقه اقتصاددانان به مطالعه پیرامون عبور نرخ ارز در سال‌های اخیر، نوسانات بسیار زیاد نرخ ارز در نتیجه بحران مالی اخیر و بحران بدهی بین‌المللی است. آگاهی از مقدار تغییر قیمت‌ها در واکنش به تغییرات نرخ ارز دارای اهمیت خاصی جهت تصمیم‌گیری سیاست‌های پولی می‌باشد. زیرا بانک‌های مرکزی در رسیدن به هدف تثبیت قیمت‌ها نیاز به دانستن اثرات تورمی تغییرات نرخ ارز هستند.

در سال‌های اخیر، آگاهی از ارتباط بین نوسانات ارزی و قیمت‌ها بسیار مورد تأکید قرار گرفته و مطالعات زیادی نیز در این مورد انجام شده است، هر چند که اساس این بحث‌ها به سال‌های آغازین دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد. مطالعه میزان سرایت نوسانات ارزی بر قیمت‌ها می‌تواند نکات جدیدی را بویژه برای سیاست‌گذاران تصویر کند. برای نمونه در بخش تجارت خارجی کشورها، آگاهی از اینکه نوسان نرخ ارز تا چه اندازه می‌تواند قیمت کالاهای تجاری (صادراتی و وارداتی) و غیر تجاری را متأثر کند، بویژه برای کشورهای در حال توسعه که به دنبال بهبود تراز تجاری خود هستند، می‌تواند بسیار مفید باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲. تعریف نرخ ارز

نرخ ارز قیمت یک واحد پول خارجی در مبادله با پول رایج یک کشور است. نرخ ارز بین پول‌های ملی کشورهای مختلف ارتباط برقرار کرده و مقایسه قیمت و هزینه‌های بین‌المللی را ممکن می‌سازد (فرجی، ۱۳۸۹). نرخ ارز به سبب

اثری که بر قیمت کالاهای داخلی و خارجی می‌گذارد، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. هنگامی که ارزش واحد پول یک کشور افزایش می‌یابد، کالاهای تولیدی این کشور در خارج گران‌تر می‌شوند و کالاهای خارجی در آن کشور ارزان‌تر خواهند شد. برعکس، هنگامی که ارزش واحد پول یک کشور کاهش می‌یابد کالاهای آن کشور در خارج ارزان‌تر و کالاهای خارجی در آن کشور گران‌تر می‌شوند (میشکین، ۱۳۷۸). نرخ‌های ارز نه تنها قیمت‌هایی که پول کشورهای مختلف با یک دیگر مبادله می‌شوند را نشان می‌دهد، بلکه قیمت کالاها و خدمات بر حسب پول داخلی را به پول دیگر کشورها تعیین می‌کند. همین‌طور نرخ ارز نقش مهمی در تعیین حجم و جریان تجارت بین‌الملل بازی می‌کند (فرجی، ۱۳۸۹).

۲,۲. نااطمینانی نرخ ارز و تأثیر آن بر اقتصاد

نااطمینانی، تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در یک متغیر اقتصادی است که نمی‌توان این تغییرات را در آینده پیش‌بینی کرد. تصادفی بودن شوک‌ها و اطلاعات ناقص از ساختار بازار، عواملی هستند که باعث ایجاد نااطمینانی می‌شوند. معمولاً تحولات و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در رژیم‌های سیاست‌گذاری می‌تواند باعث نااطمینانی در تصمیمات بنگاه‌ها شود (سیدهاشمی‌پور ولدی، ۱۳۸۹). نوسانات نرخ ارز، نشان دهنده بی‌ثباتی و عدم قطعیت در روند قیمت‌های نسبی بین کشورهاست. این نوسانات، سبب ایجاد فضای بی‌ثبات و نامطمئن در اقتصاد می‌گردند. اصولاً، با به هم خوردن ثبات نرخ ارز، روند پس‌انداز و سرمایه‌گذاری غیرمنطقی شده، تخصیص بهینه منابع امکان‌پذیر نخواهد بود. نوسانات مکرر و نااطمینانی مستمر نرخ ارز، می‌تواند با ایجاد شرایط نااطمینان و متزلزل در زمینه سود ناشی از مبادلات بین‌المللی، سبب کاهش تجارت و کم‌ترکی جریان سرمایه از طریق کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خارجی و به هم خوردن سبب‌داری‌های مالی شود. اضافه بر این، افزایش نوسانات نرخ ارز سبب بالا رفتن قیمت کالاهای قابل مبادله و افزایش هزینه پوشش خطر تغییرات پیش‌بینی نشده‌ی نرخ ارز می‌شود (گواریا و روپل، ۲۰۰۲).

۳,۲. شناخت مفهوم نرخ تبدیل

نرخ ارز شاخصی با بالاترین ظرفیت است که آن را برای تجزیه و تحلیل تکامل معاملات بین‌المللی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پویایی صادرات - واردات و همچنین محیط کسب و کار و غیره مورد استفاده قرار می‌دهند. نرخ ارز می‌تواند به رشد رقابت اقتصادی با تحریک صادرات، کاهش واردات و ایجاد یک محیط مطلوب و پایدار برای سرمایه‌گذاران کمک کند (آسری و پیل، ۱۹۹۱).

در اقتصاد بین‌الملل، تمایز میان نرخ‌های اسمی و واقعی ارز از اهمیت زیادی برخوردار است. در حالی که نرخ اسمی ارز یک مفهوم پولی است و ارزش نسبی دو پول را مورد سنجش قرار می‌دهد، نرخ واقعی ارز، یک متغیر حقیقی است که قیمت نسبی کالاهای تجاری و کالاهای غیرتجاری را بررسی می‌کند. نرخ واقعی ارز، معیار خوبی برای نشان دادن سطح رقابت‌پذیری یک کشور در بازارهای جهانی است. در حقیقت، نرخ واقعی ارز، هزینه کالاهای تجاری تولید شده در داخل را اندازه‌گیری می‌کند. افزایش در نرخ واقعی ارز، تولید کالاهای تجاری را سودآورتر ساخته و موجب انتقال منابع از بخش‌های غیرتجاری به سمت تولید کالاهای تجاری می‌شود. کاهش نرخ واقعی ارز، منعکس‌کننده افزایش هزینه تولید کالاهای تجاری در داخل کشور می‌باشد و اگر تغییری در قیمت‌های نسبی دیگر کشورهای جهان به وجود نیاید، این کاهش نرخ واقعی ارز نشان دهنده تضعیف توان رقابت بین‌المللی کالاهای ساخت کشور است. در واقع در این حالت،

کشور کالاهای تجاری را در مقایسه با بقیه جهان با کارایی کمتری از گذشته تولید می‌کند که منجر به تضعیف موقعیت خارجی کشور خواهد شد (برول و ایکورت، ۱۹۹۹).

اهمیت نرخ تبدیل در اقتصاد از طریق سه عملکرد آن مشخص می‌شود:

- ❖ عملکرد به عنوان ابزار ارزیابی کالاها و خدمات از طریق روابط اقتصادی بین‌المللی.
- ❖ عملکرد به عنوان ابزار تبدیل و مقایسه برای قدرت خرید از کشورهای مختلف.
- ❖ عملکرد به عنوان یک مکانیسم نفوذ در روابط اقتصادی بین‌المللی که از طریق آن می‌توان صادرات را افزایش داده، واردات را محدود کرده و توازن ارزی را تغییر داد.

نسبت تبدیل بین ارزها متغیری است که بستگی به فاکتورهای بیرونی و درونی دارد. بر اساس ماهیت آن‌ها، فاکتورهای مؤثر در نرخ تبدیل ارز می‌توانند اقتصادی، پولی، مالی یا روانی باشند.

یک عامل مهم که نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. مطالعات نشان داده‌اند که کشورهای با ارزهای ملی قوی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب می‌کنند. دیگر محققان از طریق اثر تخصیص پویایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را توضیح می‌دهند. بر این اساس، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت کشورهای با ارزهای ضعیف جاری می‌شوند، زیرا بازرگانان می‌توانند با یک مقدار مشخصی از پول، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند. زمانی که نرخ ارز افت می‌کند، دارای دو پیامد بالقوه برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در وهله اول، کاهش ارزش پول ملی منجر به کاهش حقوق و هزینه‌های تولید در مقایسه با خارج از کشور می‌شود. همچنین، دولتی که با کاهش ارزش پول ملی مواجه است مزیت رقابتی از طریق ارزان کردن نیروی کار دارد. از طریق این کانال نسبی میزان دستمزد، کاهش ارزش نرخ ارز سرمایه‌گذاران خارجی را جذب می‌کند، برخلاف حالت عکس وقتی افزایش نرخ ارز سرمایه‌گذاران خارجی را دور می‌کند. ارتباط بین نرخ تبدیل ارز و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دوسویه است (منشا و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به شرایط افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولیدی، ظرفیت‌های تولیدی ایجاد می‌شوند که افزایش تولید داخلی کالاها و خدمات رضایت بالاتر از تقاضای تولیدات داخلی، افزایش صادرات، مهار واردات، ثبات تراز تجاری و یک تأثیر مثبت بر نرخ تبدیل ارز را بیمه می‌کنند. به علت کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد یک کشور، بیشتر کالاها وارد می‌شود تا تقاضای داخلی برآورده شود، بنابراین کسری بودجه، به طور ضمنی بر نرخ ارز مؤثر است.

۴.۲. نوسانات نرخ ارز

میلتون فریدمن (۱۹۶۳) نظریه‌ای مدرن در مورد شناور بودن اثر نوسانات نرخ ارز را ارائه داد. فریدمن معتقد بود شناور بودن نرخ ارز مزیت استقلال پولی و مصونیت از شوک‌های حقیقی را دارد. نوسانات نرخ ارز به ریسک ناشی از تغییرات غیر منتظره نرخ ارز تعبیر می‌شود (سان و همکاران، ۲۰۰۲). در اصل نوسانات این متغیر ناشی از شوک‌های مختلف اقتصادی است که بر نرخ ارز اسمی و سطح قیمت‌های داخلی اثر می‌گذارد و به این ترتیب نرخ واقعی ارز را دچار بی‌ثباتی می‌کند (درودیان، ۱۹۹۹). براساس مبانی نظری، این نوسانات به صورت مستقیم باعث ایجاد نااطمینانی و افزایش هزینه‌ها خواهند شد و به صورت غیر مستقیم بر تخصیص منابع و سیاست‌های دولت تأثیرگذار خواهد بود (کات، ۱۹۹۴). نوسانات نرخ ارز یک هزینه برای اقتصاد داخلی است و از طریق کانال‌های مستقیم و غیر مستقیم بر روی خانوارها و بنگاه‌ها تأثیر می‌گذارد. این کانال مستقیم بر این فرض استوار است که مردم با نوسانات نرخ ارز

موافق نیستند زیرا آن‌ها، این نوسانات را در مصرف و اوقات فراغت‌شان دخالت می‌دهند و کانال غیر مستقیم فرض می‌کند که بنگاه‌ها قیمت‌های بالاتر را در قالب یک حق بیمه ریسک ناشی از آن تنظیم می‌کند تا از خطرات نوسانات نرخ ارز در آینده در امان بمانند (آبست فیلد و راگوف، ۱۹۹۸).

۵.۲. اثرات نوسانات نرخ ارز بر تأمین مالی کسب و کارها

افزایش نوسانات نرخ ارز، یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و اقتصاددانان می‌باشد. در محیطی که بنگاه ریسک‌گریز است، ریسک نرخ ارز موجب افزایش هزینه‌های تجارت کسب و کارها می‌شود و به طور کلی منافع ناشی از تجارت بین‌الملل را کاهش می‌دهد (هویر و کولهاگن، ۱۹۷۸). با این وجود، شواهد اقتصاد کلان در مورد آثار نوسان نرخ ارز بر کسب و کارها مبهم است، به طوری که عده‌ای معتقدند اثر ایجاد شده یا معنادار و کوچک است و یا این که به لحاظ آماری معنادار نیست (گرین‌اوی و کتیلر، ۲۰۰۷).

علاوه بر اثراتی که نوسان‌های نرخ ارز بر متغیرهای حقیقی اقتصاد و تجارت می‌گذارد، این آثار بر سطح کسب و کارها بیشتر مورد توجه خواهد بود. نوسان نرخ ارز پتانسیل اثرگذاری بر میزان تجارت یک کسب و کار و منافع ناشی از تجارت را دارد. همچنین نوسان نرخ ارز در سطح کسب و کارها منجر به بروز مسأله اثر ترازنامه‌ای می‌شود، به طوری که دیدگاه جدیدی در ادبیات مربوط ظهور کرده و بر عدم تطابق پول‌ها در میزان دارایی‌ها و بدهی‌های یک شرکت تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه جدید، در غیاب وجود بدهی بر حسب پول خارجی، اگر کاهش ارزش پول اتفاق افتد، باعث کاهش چشم‌گیر در سرمایه‌گذاری می‌شود. این مسأله توسط کروگمن (۱۹۹۹)، تحت عنوان اثر "برنانکه گرتلر" نامیده شده است و اشاره به اهمیت و قدرت شوک‌های منفی دارد که به دلیل همراه بودن بازار سرمایه ناقص و ترازهای مالی ضعیف بنگاه به وجود می‌آیند (برنانکه و گرتلر، ۱۹۸۹). در چنین شرایطی، گرچه کاهش ارزش پول، موقعیت مالی بنگاه‌های صادرکننده را بهبود می‌بخشد که به عنوان اثر رقابتی تلقی می‌شود، اما این پدیده منجر به ایجاد عدم تطابق پولی بین دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بنگاه اقتصادی می‌شود، به گونه‌ای که دارایی‌های بنگاه بر حسب پول داخلی است، در حالی که بدهی‌های آن بر حسب پول خارجی است و در نتیجه به دلیل کاهش ارزش پول ملی، بین این دو عنصر ترازوی وجود ندارد که از آن به عنوان اثر ثروت خالص نام برده می‌شود. با این وجود، باید بیان کرد که نتایج تجربی به دست آمده توسط بلیکی و کووان (۲۰۰۵)، نشان می‌دهند که اثر رقابتی بر اثر ثروت خالص چیره شده است. بدین لحاظ نوسان در نرخ ارز از طریق دو کانال بر تأمین مالی کسب و کارها اثرگذار است. اولاً نوسان نرخ ارز منافع ناشی از تجارت را کاهش می‌دهد و کسب و کارها باید هزینه‌هایی را برای جلوگیری از این نوسان‌ها انجام دهد. علاوه بر این افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول) تنها در صورت وجود و شرایط مارشال لرنر می‌تواند منجر به افزایش صادرات کسب و کارها آن هم در کوتاه‌مدت شود. با این حال نوسان شدید در نرخ ارز اثر منفی بر درآمدهای یک کسب و کار صادرکننده دارد و روند تأمین مالی کسب و کار را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ثانیاً نوسان نرخ ارز به دلیل به وجود آوردن مسأله اثر ترازنامه‌ای، تأمین مالی کسب و کار از خارج را در مورد طرح‌های آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این وجود بیان می‌شود که اگر سیستم مالی در یک اقتصاد توسعه یافته باشد، می‌تواند این اثر را خنثی کند. این در حالی است که معمولاً بازار مالی در اقتصادهای در حال توسعه در سطوح پایین توسعه یافتگی قرار دارد و بازار سرمایه در این کشورها ناقص است.

۶.۲. رابطه میان نوسانات نرخ ارز و رشد بهره‌وری کسب و کارها

رشد اقتصادی و رشد بهره‌وری از جمله اهداف اصلی در سیاست‌گذاری اقتصادی است که از طریق شکوفایی و رونق کسب و کارها حاصل می‌شود. از میان متغیرهای اقتصادی، متغیری که بیش از همه در ارتباط مستقیم با بخش خارجی اقتصاد و صادرات کسب و کارها قرار دارد و می‌تواند بیش از هر متغیر دیگری زمینه رشد اقتصادی را فراهم نماید، متغیر نرخ ارز واقعی می‌باشد. نوسانات نرخ ارز به ریسک ناشی از تغییرات غیرمنتظره نرخ ارز اطلاق می‌شود که یکی از محدودیت‌های اصلی بر سر راه رشد اقتصادی است. وجود نااطمینانی در نرخ ارز باعث خروج منابع از چرخه اقتصاد و تخصیص نامناسب آن‌ها به فعالیت‌هایی با بهره‌وری و کارایی کمتر خواهد شد که نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی است. کسب و کارها در شرایط نوسان نرخ ارز نمی‌توانند برای آینده خود برنامه‌ریزی نمایند و استراتژی‌های لازم را تدوین کنند. نوسانات نرخ ارز واقعی از طریق ایجاد عدم اطمینان در قیمت‌های آتی کالا و خدمات بر بخش حقیقی اقتصاد اثر می‌گذارد. کسب و کارها تصمیم‌گیری‌های خود را در زمینه تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف بر پایه اطلاعاتی که سیستم قیمت‌ها برای آن‌ها می‌سازد پی‌ریزی می‌کنند. قیمت‌های غیرقابل اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی ناشی از نااطمینانی در نرخ ارز، بر تصمیم‌گیری کسب و کارها برای تولید و سرمایه‌گذاری اثر منفی می‌گذارد. در بازار کالا، شوک‌های مثبت نرخ ارز سبب گران شدن کالای وارداتی و ارزان‌تر شدن کالاهای صادراتی خواهد شد و در نتیجه، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی را در بر خواهد داشت. در طرف عرضه می‌توان استدلال کرد که در کشورهای در حال توسعه شوک‌های مثبت نرخ ارز، موجب افزایش هزینه وارداتی کالاهای واسطه‌ای و در نتیجه گران‌تر شدن واردات کالاهای واسطه‌ای (نهاده‌های تولید) می‌شود که می‌تواند اثر منفی بر تولید داشته باشد. نااطمینانی کسب و کارها نسبت به نرخ ارز باعث افزایش ریسک در محیط اقتصادی و در نتیجه موجب افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری شده و در نتیجه اثر منفی بر تولید کسب و کارها دارد. از سوی دیگر افزایش نوسانات نرخ ارز و نااطمینانی در آن سبب افزایش ریسک در تجارت بین‌الملل می‌شود و هزینه تجارت را افزایش می‌دهد که باعث کاهش تجارت و در نهایت کاهش در تولید می‌شود.

ایچنگرین (۲۰۰۷) در مطالعات خود با ذکر اهمیت نرخ ارز به عنوان یک متغیر سیاسی، خاطر نشان می‌کند که بی‌ثباتی نرخ ارز عامل منفی تأثیرگذار بر تجارت و سرمایه‌گذاری است، که این دو به نوبه خود از عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد اقتصادی هستند و سطوح بالای نوسان نرخ ارز محل صادرات و سرمایه‌گذاری است. وی معتقد است که نرخ ارز حقیقی موضوع مهمی است و نگه داشتن آن در سطحی رقابتی و اجتناب از نوسانات مضاعف آن برای رشد مهم است. اشنابل (۲۰۰۹) در مطالعه خود پیرامون نوسانات نرخ ارز و رشد در کشورهای نوظهور اروپا و شرق آسیا، شواهدی مبنی بر تأثیر منفی نوسانات نرخ ارز بر رشد کسب و کارها یافت. وی دریافت که تثبیت نرخ ارز در اقتصادهایی که به سمت اقتصاد بازار حرکت می‌کنند، می‌تواند به سه دلیل به صورت مثبت بر رشد مؤثر باشد: نخست اینکه هزینه مبادله برای تجارت بین‌المللی کاهش می‌یابد؛ دوم اینکه نااطمینانی برای جریان سرمایه بین‌المللی کمتر می‌شود؛ سوم اینکه ثبات اقتصاد کلان بیشتر می‌شود. وی در شواهد نظری خود بیان می‌دارد که نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر به عنوان یک ابزار مهم مقابله با شوک‌های نامتقارن (حقیقی) نشان داده می‌شوند.

۲.۷. کانال‌های تأثیرگذاری نوسانات نرخ ارز بر قیمت‌ها

تعیین سیاست‌های ارزی مطلوب، همواره یکی از مباحث مورد توجه کشورهای در حال توسعه بوده است. تمرکز این مباحث، بیشتر بر مقدار نوسانات نرخ ارز در مواجهه با شوک‌های داخلی و خارجی است. در عین حال نوسانات نرخ ارز خود تعیین‌کننده عملکرد اقتصاد هستند. مطالعه و ارزیابی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر تورم و رشد اقتصادی جهت تعیین میزان بهینه این نوسانات بیان می‌نماید که کانال‌های عرضه و تقاضا بیان‌کننده این تأثیرات هستند (کاندیل، ۲۰۰۰).

کاندیل (۲۰۰۰) عوامل عدم اطمینان در طرف تقاضای اقتصاد را از طریق صادرات، واردات، تقاضای پول و در طرف عرضه اقتصاد از طریق هزینه‌های کالاهای واسطه‌ای وارداتی بیان می‌کند، که برآیند تغییرات عرضه و تقاضای اقتصاد در تغییرات تولید و قیمت منعکس می‌شود. از آنجائیکه کارگزاران و عاملین اقتصادی به صورت عقلایی رفتار می‌کنند، بنابراین عرضه و تقاضای اقتصاد تحت تأثیر شرایط نااطمینانی می‌باشد. به همین دلیل در مباحث تئوریک، بحث انتظارات عقلایی وارد عرضه و تقاضای اقتصاد شده، به طوری که نوسانات نرخ ارز منجر به نوسانات عرضه و تقاضای اقتصاد شده و از این رو متغیرهای حقیقی اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. کانال‌های تأثیرگذاری نوسانات نرخ ارز به شرح زیر می‌باشند:

۱- در بازار کالاها، شوک مثبت در نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی)، باعث ارزان‌تر شدن صادرات و گران‌تر شدن واردات خواهد شد، در نتیجه‌ی رقابت در بازارهای خارجی، تقاضا برای کالاهای داخلی افزایش یافته و به دنبال آن تولید و قیمت داخلی افزایش می‌یابد و بالعکس.

۲- در بازار پول، کاهش غیر منتظره ارزش پول ملی نسبت به ارزش پیش‌بینی شده آن در آینده، بنگاه‌ها را تشویق به نگهداری پول داخلی کرده و نرخ بهره افزایش می‌یابد. این کانال تأثیر کاهش ارزش پول ملی مبنی بر افزایش تقاضا، قیمت و تولید را تعدیل می‌کند و بالعکس.

۳- در طرف عرضه اقتصاد، کاهش غیر منتظره ارزش پول ملی، سبب افزایش هزینه کالاهای واسطه‌ای وارداتی شده که خود منجر به کاهش تولید داخل و افزایش هزینه تولید می‌شود و در نهایت قیمت‌ها افزایش می‌یابند (کاندیل، ۲۰۰۰).

نوسانات نرخ ارز و تغییرات آن در یک مرحله به قیمت کالاهای وارداتی منتقل می‌شود و در مرحله دوم، تغییرات در قیمت کالاهای وارداتی، به قیمت کالاهای عمده فروشی و مصرف‌کننده انتقال می‌یابد. تغییرات نرخ ارز قیمت‌های مصرف‌کننده را از کانال دیگری نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش نرخ ارز، قیمت‌های بالاتر را برای کالاهای وارداتی ایجاد می‌کند و در نتیجه تقاضا برای کالاهای تولید شده داخلی را افزایش می‌دهد که این کالاها با کالاهای وارداتی رقابت می‌کنند. هنگامی که تقاضا افزایش می‌یابد، فشار روی قیمت‌ها و دستمزدهای اسمی رو به بالا خواهد بود و باعث افزایش قیمت‌ها و دستمزدها می‌شود (موسوی محسنی و سبحانی پور، ۱۳۸۷).

۸.۲. نحوه تأثیرگذاری درآمدهای ارزی در اقتصاد ایران

نرخ ارز به عنوان یکی از متغیرهای بسیار مهم و مؤثر در اقتصاد هر کشور، از طرق مختلف می‌تواند سایر متغیرهای کلان را تحت تأثیر قرار دهد. چرا که نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلان در بخش تجارت خارجی دارای اهمیت بسزایی است. افزایش یا کاهش نرخ ارز بیانگر ضعف یا قدرت پول کشور در مقابل پول‌های خارجی بوده و معیاری جهت نشان دادن قدرت رقابت کالاهای ساخت کشور در بازارهای جهانی است. انحراف این نرخ از سطح تعادلی آن، که به منزله اختلال در قیمت‌های نسبی در جامعه است، تأثیر منفی بر تخصیص منابع در جامعه خواهد گذاشت و در نهایت موجب کاهش قدرت رقابت کالاهای ساخت داخل در بازارهای جهانی خواهد شد. درآمدهای ارزی از طرق مختلف عرضه و تقاضای کل را متأثر می‌سازد. به طور کلی درآمدهای ارزی بر عرضه کل کالاها و خدمات اعم از اینکه این کالاها و خدمات در داخل تولید یا از خارج وارد شده باشند، از طریق واردات کالاهای نهایی و واردات نهاده‌های تولیدی مؤثر است. در این ارتباط واردات نهاده‌های تولیدی نسبت به واردات کالاهای نهایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در مجموع بیش از ۸۰ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند. اصولاً اجزای اصلی تشکیل دهنده کل اقتصاد شامل مصرف، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مخارج دولتی، صادرات و واردات می‌باشد. هم‌چنین عرضه پول نیز از متغیرهای بسیار مهمی است که مخارج کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بین متغیرهای مورد اشاره مخارج دولتی، عرضه پول و واردات از جمله متغیرهای هستند که درآمدهای ارزی اثر مستقیم و قابل ملاحظه‌ای بر آن‌ها دارد. این نحوه اثرگذاری در ادامه توضیح داده می‌شود.

۱.۸.۲. مخارج دولت

به طور کلی درآمد نفت و گاز، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها، منابع تأمین درآمد دولت می‌باشد. از ویژگی بارز بودجه دولت، وابستگی نسبتاً بالای آن به درآمدهای ارزی نفت و گاز است. طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۳۸ درآمدهای حاصل از نفت و گاز به طور متوسط بیش از ۵۵ درصد درآمدهای عمومی دولت را تشکیل داده است. هم‌چنین طی دوره ۵۶-۵۲ که مصادف با افزایش شدید قیمت‌های نفت می‌باشد، نسبت مزبور به بیش از ۷۵ درصد افزایش می‌یابد (ترازنامه‌های بانک مرکزی ۱۳۸۱-۱۳۴۰ و نماگرهای اقتصادی ۸۴-۸۳-۸۲).

۲.۸.۲. عرضه پول

عرضه پول از جمله متغیرهای بسیار مهمی است که نقش اساسی در افزایش تقاضای کل در اقتصاد دارد. درآمدهای ارزی از طریق تغییر در دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی تأثیر مهمی بر افزایش عرضه پول داشته است. به عنوان مثال متوسط نسبت خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به پایه پولی طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۱ بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است (ترازنامه‌های بانک مرکزی ۱۳۸۱-۱۳۴۰ و نماگرهای اقتصادی ۸۴-۸۳).

۳.۸.۲. صادرات و واردات

وابستگی بخش بازرگانی خارجی کشور به درآمدهای ارزی حاصل از نفت با بررسی ترکیب صادرات و واردات کالاها و خدمات مشهود می‌شود. به طور کلی، ترکیب صادرات کشور را صادرات غیر نفتی و صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد. طی سال‌های قبل از انقلاب صادرات نفت و گاز به طور متوسط بیش از ۹۰ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می‌داده است و نسبت مزبور در دوره بعد از انقلاب کاهش یافته است. علاوه بر این به طور متوسط ۵۹ درصد از واردات کشور را

مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تشکیل می‌دهد و در مجموع بیش از ۸۰ درصد واردات کشور شامل نهاده‌های تولیدی (مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) می‌باشد. سهم واردات کالاهای مصرفی نهایی در بعد از انقلاب نیز کاهش یافته است (ترازنامه‌های بانک مرکزی ۱۳۸۱-۱۳۴۰ و نماگرهای اقتصادی ۸۴-۸۳-۸۲).

۴.۸.۲. تورم

در اقتصاد ایران، عمدتاً در بعد از انقلاب رشد تورم همواره بیشتر از رشد تولید بوده است (به طوری که طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۳ متوسط تورم ۱۹/۲ درصد و متوسط نرخ رشد تولید ۲/۵ درصد و در دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۷ رشد این متغیرها به ترتیب ۱۹/۵ و ۲ درصد بوده است). اهمیت این مساله از آنجا ناشی می‌شود که مطالعات بسیاری نشان داده است که تورم بالا سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود (استانرس، ۱۹۹۳). هم‌چنین مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. علاوه بر این، مطالعات بی‌شماری وجود رابطه بین صادرات و رشد اقتصادی را مورد تأیید قرار داده‌اند. بر اساس مطالعات انجام شده در ایران رشد اقتصادی تأثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی داشته، اما صادرات غیر نفتی تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی نداشته است (بغزیان، ۱۳۷۷).

۴.۹.۲. نظریه‌های مختلف تعیین نرخ ارز

جدای از نظام‌های ارزی مختلف که می‌تواند با توجه به مقتضیات هر کشور مورد استفاده قرار گیرد، مسئله مهمی که به دلیل نظری اهمیت دارد، چگونگی تعیین نرخ ارز تعادلی و پی بردن به سازوکاری است که نرخ ارز براساس آن تعیین می‌شود. در تعیین نرخ ارز چهار نظریه اصلی وجود دارد که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم. دو نظریه اول که نظریه‌های سنتی‌ترند به تفسیر تغییرات نرخ ارز در بلندمدت می‌پردازند و دو نظریه دوم که نظریه‌های جدیدتری هستند بیشتر به نوسانات نرخ‌های ارز در کوتاه‌مدت تأکید دارند.

۴.۹.۲.۱. رهیافت تجاری یا رویکرد کشش‌ها

از نظر این رهیافت، نرخ برابری تعادلی ارز، نرخ داخلی است که در آن ارزش واردات و صادرات یک کشور برابر شود. زیرا زمانی که ارزش واردات از ارزش صادرات بیشتر باشد یعنی کشور با کسری تجارت روبه‌رو شود، در نظام شناور ارز، نرخ مبادله ارز افزایش یافته و ارزش پول داخلی کم می‌شود. در نتیجه صادرات به خارج ارزان شده و واردات گران می‌شود. این امر منجر به افزایش صادرات و کاهش واردات و ایجاد تعادل تجاری می‌شود. از آنجا که سرعت این تعدیل به کشش مقدار واردات و صادرات نسبت به تغییرات نرخ مبادله ارز بستگی دارد، این نظریه را رویکرد کشش‌ها نامیده‌اند. در این رهیافت فقط بر تجارت یا جریان کالا و خدمات در تعیین نرخ ارز تأکید شده و بر نقش جریان بین‌المللی سرمایه (که به خصوص در نوسانات کوتاه مدت بسیار مؤثر است) پرداخته نشده است. ناتوانی این نظریه در تعیین بسیاری از نوسانات و تغییرات نرخ ارز موجب شده که از آن تنها در تعیین نرخ مبادله ارز در بلندمدت استفاده شود.

۴.۹.۲.۲. نظریه برابری قدرت خرید

رهیافت دیگر در تعیین نرخ ارز در بلندمدت، نظریه‌ای است که نرخ مبادله ارز میان دو کشور را نسبتی از سطح عمومی قیمت‌ها در آن دو کشور می‌داند. براساس این رویکرد نرخ ارز باید به گونه‌ای تعیین شود که قیمت یک کالای یکسان در دو کشور، برابر شود (قانون قیمت واحد). به دلیل فروض مطلق این نظریه، نظریه دیگری با عنوان

برابری قدرت خرید نسبی پدید آمد که در آن تغییرات نرخ ارز را با تغییر نسبی سطح قیمت‌های دو کشور متناسب می‌داند، به گونه‌ای که با داشتن نرخ ارز در سال پایه می‌توانیم با توجه به تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در دو کشور در فاصله سال پایه تا زمان حال، نرخ ارز تعادلی فعلی را مشخص کنیم.

۳,۹,۲. رویکرد پولی

در این رویکرد، پول نقش اساسی را در ایجاد تغییرات بلندمدت تراز پرداخت‌ها و تعیین نرخ ارز ایفا می‌کند. عدم تعادل عرضه و تقاضای کل پول ملی موجب عدم تعادل تراز پرداخت‌ها شده و براساس نوع نظام ارزی کشور بر نرخ ارز یا تراز پرداخت‌ها تأثیر می‌گذارد تا مجدداً تعادل عرضه و تقاضای پول را برقرار سازد. در این دیدگاه عرضه پول تابعی از جزء داخلی پایه پول ملی، جزء خارجی آن و ضریب فزاینده است:

$$M_s = m(D + F)$$

در این معامله M_s ، عرضه پول ملی m ، ضریب فزاینده پول D ، جزء داخلی و F جزء خارجی پایه پول ملی هستند. سطح تقاضای پول نیز تابعی از درآمد حقیقی، سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ بهره است. البته در بیان ساده این رویکرد تنها به دو متغیر درآمد حقیقی و سطح عمومی قیمت‌ها اشاره شده که هرچقدر میزان آنها بیشتر باشد تقاضای پول از سوی اشخاص و بنگاه‌ها برای انجام معاملات روزمره بیشتر خواهد شد. معادله رویکرد ساده تقاضای پول به شرح ذیل است.

$$M_d = \frac{1}{y} P Y$$

در این معامله M_d ، تقاضای پول V ، سرعت گردش پول و $P Y$ تولید یا درآمد ملی اسمی است. در یک نظام نرخ ارز ثابت، اگر تقاضای پول فزونی یابد و مقامات پولی کشور جزء داخلی پایه پول ملی را به میزانی که این افزایش تقاضای پول فزونی یابد، افزایش ندهند، این امر موجب جریان ورودی ذخایر بین‌المللی و مازاد تراز پرداخت‌ها می‌شود، ورود جریان ذخایر بین‌المللی موجب افزایش جزء خارجی پایه پول ملی و عرضه پول شده و تا تعادل مجدد عرضه و تقاضای پول ادامه می‌یابد. در مقابل افزایش میزان عرضه پول در مقابل تقاضای آن منجر به جریان خروج سرمایه و کسری تراز پرداخت‌ها به میزانی می‌شود که مازاد عرضه پول را در کشور از بین ببرد. بنابراین در بلندمدت و تحت نظام نرخ ارز ثابت، مقامات پولی کنترلی بر عرضه پول نخواهند داشت. تحت یک نظام نرخ ارز شناور، عدم تعادل در عرضه و تقاضای پول موجب عدم تعادل تراز پرداخت‌ها می‌شود، اما این عدم تعادل به سرعت با تغییر نرخ ارز از بین رفته و جریان بین‌المللی پول یا ذخیره، ایجاد نمی‌شود و مقام پولی نیز، تسلط خود را بر عرضه پول و سیاست‌های پولی حفظ می‌کند. در نتیجه نرخ ارز به نرخ رشد عرضه و تقاضای پول یک کشور در مقابل عرضه و تقاضای پول دیگر کشورها بستگی خواهد داشت. رویکرد پولی نیز در تعیین نرخ ارز و تغییرات آن در دوره پس از سال ۱۹۷۳ با ابهاماتی روبه‌رو شد. این رویکرد بیش از حد بر نقش پول تأکید می‌کند و نقش تجارت را به عنوان عنصر مهم و تعیین کننده نرخ ارز به ویژه در بلندمدت نادیده می‌گیرد. همچنین در این رویکرد دارایی‌های مالی خارجی و داخلی از جمله اوراق قرضه جانشین کاملی برای یکدیگرند که در واقع چنین نیست.

۴،۹،۲. رویکرد تراز موجودی اوراق بهادار

افراد و بنگاه‌ها ثروت مالی خود را به صورت ترکیبی از پول داخلی و اوراق قرضه داخلی و خارج نگه می‌دارند. نگهداری ثروت مالی به شکل نقد (پول داخلی) ریسک صفر دارد؛ اما شخص را از نرخ سود احتمالی محروم می‌کند. البته افراد همواره مقداری پول نقد برای انجام معاملات نگاه می‌دارند. در رویکرد تراز موجودی اوراق بهادار، نرخ ارز تابع مستقیمی از نرخ بهره خارجی و کل ثروت جامعه و تابعی معکوس از نرخ بهره داخلی و اوراق قرضه خارجی است. از کاستی‌های اصلی این رویکرد، در نظر نگرفتن مبادلات تجاری، درآمد حقیقی و انتظارات است. با توجه به رویکردها و نظریه‌های بالا و همچنین مزایا و معایب نظام‌های مختلف ارزی می‌توان عنوان کرد به رغم مطالعات متعددی که در خصوص الگوهای مختلف تعیین نرخ ارز انجام شده، نتایج یکسانی حاصل نشده و گاهی نتایج متفاوت و مغایر یکدیگر نیز بوده‌اند. براساس شواهد تجربی این الگوها موفقیت چندانی در تبیین گذشته نرخ ارز و پیش‌بینی روند آتی آن نداشته‌اند و این امر جهت‌گیری‌های جدیدی درباره الگوسازی نرخ ارز ایجاد کرده است (شبکه پژوهش دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۲).

در جهت‌گیری‌های جدید الگوسازی نرخ ارز سعی شده در بلندمدت از متغیرهای اساسی اقتصاد (سطح قیمت‌ها، نرخ-های بهره، تراز پرداخت‌ها و عرضه پول) و در کوتاه‌مدت از تحلیل‌های تجربه‌گرایانه نیز استفاده شود. در بلندمدت اساس الگوسازی نرخ ارز مبتنی بر نظریه‌های برابری قدرت خرید، الگوهای پولی و غیره است. تحلیل‌های کوتاه‌مدت در این الگوها تلفیقی از متغیرهای بنیادی و تحلیل‌های تجربه‌گرایانه است. در جهت‌گیری‌های جدید عمدتاً سعی بر آن است تا نوسانات کوتاه‌مدت ارز در قالب یک الگوی مبتنی بر عوامل غیراقتصادی مورد بررسی قرار گیرد (صمصامی، ۱۳۷۸).

۱۰،۲. انواع نظام‌های نرخ ارز

نظام (رژیم) ارزی به ترتیبی که برای بازپرداخت وجوه و تعیین نرخ ارز میان گروهی از کشورها وجود دارد، اطلاق می‌شود. تعیین نرخ ارز در همه اقتصادها مبتنی بر ساز و کار بازار است و عوامل عرضه و تقاضا نرخ ارز را تعیین می‌کنند و مقامات پولی از طریق ذخایر ارزی، برخی اوقات در بازار دخالت نموده و نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ادامه به توضیح مختصر نظام‌های مختلف ارزی و مزیت‌ها و نواقص هر یک می‌پردازیم.

۱،۱۰،۲. نظام ارز شناور

در چارچوب این نظام که بیشتر به وسیله کشورهای توسعه یافته انتخاب شده است، نرخ‌های ارز می‌توانند به طور آزاد نوسان داشته باشند و مقادیر تعادلی آن‌ها فقط به وسیله نیروهای بازار تعیین می‌شود. نظام شناور ارز حالتی افراطی است که در آن بانک‌های مرکزی در بازار ارز دخالت نمی‌کنند و در واقع تسویه بازار ارز بر اساس عوامل بازار است. به عبارت دیگر براساس این نظام، قیمت ریالی یک نرخ ارز کاملاً شبیه قیمت یک کالا بوده که از برخورد منحنی‌های عرضه و تقاضا آن ارز، به دست می‌آید. از مزایای این نظام می‌توان به شفاف شدن اطلاعات اقتصادی به ویژه برای جهت‌دهی و سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی، انعکاس آخرین تغییرات مزیت‌های نسبی، ایجاد حفاظ و حاشیه امنیت در مقابل انتقال آثار شوک‌های خارجی به اقتصاد داخلی و حفظ استقلال عمل در سیاست‌گذاری پولی و مالی اشاره کرد. با وجود مزایایی که ذکر شده، این نظام در مواردی سبب بروز ناپایداری در نرخ ارز می‌شود که

می‌تواند فعالان اقتصادی را در تصمیم‌گیری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها با مشکل روبرو کند. همچنین می‌توان به تشدید بورس بازی در این بازار اشاره کرد که یکی از معایب اصلی آن است.

۲،۱۰،۲. نظام ارز ثابت

در نظام نرخ ارز ثابت مقامات پولی کشورها سعی می‌کنند تا با مداخله در بازار ارز، نرخ ارز تعیین شده را ثابت نگاه دارند. حال اگر افزایش تقاضا برای پول خارجی منجر به افزایش نرخ ارز به حدی فراتر از مقدار اعلام شده شود، مقامات پولی با دخالت در بازار و عرضه ارز به حفظ نرخ اعلام شده اقدام می‌کند. چنانچه بنا به دلایلی مانند افزایش قابل ملاحظه صادرات کشور و به دنبال آن افزایش عرضه ارز، نرخ ارز کاهش یابد، مقامات پولی با ورود به بازار و خرید ارز نرخ آن را تا حد تعیین شده افزایش می‌دهد. مزیت اصلی این نظام، ایجاد ثبات در نرخ ارز است که با توجه به تأثیر بالای ارز بر اکثر متغیرهای اقتصادی می‌تواند سبب ایجاد ثبات اقتصادی شود.

۳،۱۰،۲. نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل

ترکیبی از ویژگی‌های نظام‌های نرخ ارز ثابت و شناور که خصیصه‌های مطلوب آن را داشته و ویژگی‌های نامطلوب را حداقل کند، در نظام‌های تلفیقی ارز تجلی یافته، که نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل یکی از آنها است. براساس این نظام، ابتدا نرخ برابری ارز و حدود مجاز نوسانات نرخ ارز پیرامون مقدار تعیین شده مشخص می‌شود. امکان آزادی عمل سیاست‌های پولی مختلف به میزانی فراهم است که نرخ ارز از دامنه مجاز تعیین شده فراتر نرود. در نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل، در صورت بروز کسری یا مازاد تراز پرداخت‌ها به دلیل امکان تغییر نرخ ارز در محدوده مجاز، می‌توان بخشی از آن را رفع کرد.

۴،۱۰،۲. نظام نرخ ارز میخکوب خزنده

به منظور اجتناب از اشکالات نظام نرخ ارز میخکوب قابل تعدیل از جمله تغییرات به نسبت وسیع نرخ برابری ارز که موجب بی‌اعتباری پول داخلی و سوداگری ارزی می‌شود، نظام نرخ ارز میخکوب خزنده طراحی شده است. در این نظام اگر چه کشورها ابتدا نرخ ارز مشخصی را تعریف و سپس دامنه نوسانات مجاز نرخ برابری ارز را تعیین می‌کنند، اما برخلاف نظام میخکوب قابل تعدیل در صورتی که در این نظام کسری یا مازاد تراز پرداخت‌ها به وجود آید، تغییر نرخ برابری ارز باید از قبل اعلام شده و به صورت تدریجی در فاصله‌های زمانی کاملاً مشخصی صورت می‌گیرد.

۵،۱۰،۲. نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده

در نظام‌های ارزی مبتنی بر نرخ ارز ثابت یا شناور فرض بر آن بود که یا باید به طور محض ثابت بودن نرخ را پذیرفت یا نرخی کاملاً انعطاف‌پذیر را قبول کرد. اما در نظام ارز شناور مدیریت شده اصلی‌ترین موضوع، شناخت میزان بهینه دخالت دولت در بازار ارز است. در این نظام دستورالعمل و قواعد مشخصی برای مداخله دولت، نرخ‌های برابری ارز یا نرخ‌های هدف اعلام شده و محدوده مشخصی برای نوسانات مجاز نرخ ارز وجود ندارد. در واقع مسئولان پولی هنگامی در بازار ارز مداخله می‌کنند که تشخیص دهند این اقدام سودمند و ضروری است. درحمايت از این نوع نظام گفته می‌شود که در این نظام ضوابط رسمی و اعلام شده‌ای وجود ندارد و مقامات پولی می‌توانند با توجه به مقتضیات مکانی و زمانی غیرقابل پیش‌بینی در بازار ارز دخالت کنند و بر سیاست‌ها و قواعد نامناسب قبلی متکی باشند (شبکه پژوهش دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۲).

۱۱،۲. نگاهی بر سیر تحولات نرخ ارز در ایران

نرخ ارز تابع عرضه و تقاضای ارز و سایر متغیرهای اقتصادی و سیاسی است و حصول تعادل در این بازار مستلزم تحقق شروط ذیل است:

۱- کشش عرضه صادرات: تنوع کالاهای صادراتی در کشور، استفاده از تکنولوژی پیشرفته در کالاهای صادراتی، بازاریابی مناسب تولیدات و غیره موجب می‌شوند تا منابع تأمین ارز (عرضه ارز به داخل) متنوع‌تر شده و عرضه صادرات کشور انعطاف بیشتری داشته باشد.

۲- کشش تقاضای واردات: محدود نبودن واردات، کاهش و یا حذف تعرفه‌ها و برقراری روابط آزاد اقتصادی با سایر کشورها موجب می‌شود تا منابع تقاضای ارز برای واردات در کشور متنوع باشد که این امر حصول به تعادل را عملی-تر می‌سازد.

در اقتصاد ایران، اولاً منحنی عرضه صادرات بی‌کشش است، زیرا صادرات تک محصولی بوده و تنوع صادرات که لازمه تنوع منابع عرضه ارز به کشور است، وجود ندارد و بنابراین عرضه ارز عمدتاً در انحصار دولت باقی مانده است. حتی در مورد صادرات غیرنفتی نیز، چون کالاهای صادراتی غیرنفتی عمدتاً سنتی بوده و انعطاف‌پذیری تکنولوژیک لازم را ندارند، از رقابت‌پذیری کمتری در سطح جهانی برخوردارند و این موضوع باعث می‌شود تا تقاضای خارجی برای این کالاها بسیار حساس (با کشش) باشد و نهایتاً مجموع این عوامل مؤثر در رقابت کالاهای صادراتی، عرضه ارز به داخل را با چالش جدی مواجه می‌سازد. ثانیاً تقاضای واردات در ایران نیز کشش‌پذیری کمی دارد و محدودیت‌های اعمال شده برای واردات موجب می‌شود تا افراد نتوانند برای تمامی مقاصد تقاضای ارز داشته باشند. مجموع این دو عامل باعث شده است تا دولت در ایران نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تعیین نرخ ارز داشته باشد و این موضوع با شرایط ساز و کار بازار هماهنگی ندارد. در ادامه به منظور ارائه تصویری کلی از وضعیت سیاست‌های ارزی در کشور و سیر تحولات آن، تصویری صریح و شفاف از عملکرد نظام ارزی و تحولات نرخ ارز در کشور طی سال‌های بعد از انقلاب ارائه می‌شود.

۱،۱۱،۲. سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۰

در فروردین ماه ۱۳۷۱ سیاست جدید تک نرخ ارز از طرف بانک مرکزی اعلام و اتخاذ شد و در این رابطه تنها یک نرخ برای ارزهای مختلف اعلام شد اما در استحکام این سیاست تردید وجود داشت و بسیاری از صاحب‌نظران معتقد بودند که تک نرخ شدن ارز به تشدید تورم منجر می‌شود. در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ بازارهای غیررسمی ارز تحت نوسانات بسیار شدیدی بود به طوری که در مقطعی بانک مرکزی را وادار نموده تا نرخ شناور ارز را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. در سال ۱۳۷۳ با توجه به نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد نرخ دیگری تحت عنوان "نرخ صادراتی" از سوی بانک مرکزی با اختلاف ۵ ریال کمتر از نرخ بازار اعلام شد. در این سال به علت فشارهای ناشی از عوامل برون‌زا فاصله بین نرخ‌های اعلام شده و نرخ بازار آزاد افزایش یافت.

در ابتدای سال ۱۳۷۴ به علت نوسانات شدید نرخ ارز در بازار آزاد و همچنین فاصله قابل توجهی که میان نرخ شناور ارز و نرخ ارز در بازار آزاد ایجاد شده بود، سیاست‌های محدودکننده ارزی به اجرا در آمد. بدین ترتیب با اعلام سیاست‌های جدید ارزی مبنی بر اعلام قاچاق بودن خرید و فروش ارز خارج از سیستم بانکی، نوسانات نرخ ارز در

بازار آزاد متوقف گردید. از خرداد سال ۷۴ در یک اقدام ضربتی، دولت نرخ ارز را تثبیت و بازار غیر رسمی را غیرقانونی اعلام کرد و با تعیین دو نرخ رسمی و صادراتی ۱۷۵۰ و ۳۰۰۰ ریال در تثبیت قیمت‌ها کوشید. همچنین سعی شد با اعمال کنترل اعتبارات بانکی و نیز کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها، حجم نقدینگی کنترل و عملاً سیاست‌های انقباضی پولی اعمال شود. با اعمال سیاست‌های مورد نظر، نرخ تورم کاهش و به مرز ۲۸/۸ و ۲۵/۳ درصد در سه ماه اول و دوم سال ۷۵ رسید. نرخ تورم در سال ۷۵ به ۲۳/۳ درصد رسید.

در سال ۱۳۷۵، مهم‌ترین سیاست ارزی، تثبیت نرخ‌های شناور و صادراتی ارز بود. از دیگر سیاست‌های ارزی سال ۱۳۷۵ اتخاذ سیاست‌های ارزی تشویق صادرات و درعین حال سیاست‌های واردات کالای اساسی و غیره بوده است.

۲،۱۱،۲. سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۶

با سپری شدن این دوران و آغاز سال ۷۶، اقتصاد ایران کاهش پیاپی قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال‌های ۷۶ و ۷۷ و به دنبال آن کاهش مداوم رشد تولید ناخالص ملی را تجربه نمود. این وقایع بار دیگر به همگان یادآوری کرد که اقتصاد ایران هنوز نتوانسته است از وابستگی به نفت رهایی یابد. به هر حال سال ۷۷ در دوره بعد از انقلاب یک سال استثنایی به لحاظ درآمدهای نفتی بوده است. به طوریکه قیمت نفت خام ۳۵ درصد پایین‌تر از متوسط قیمت این کالا در ۲۰ سال گذشته بوده است. این وضع نه تنها به صورت مستقیم از طریق کاهش سهم بخش نفت در تولید ملی بلکه به صورت غیرمستقیم هم در کاهش رشد تولید ملی اثر گذاشت، به گونه‌ای که رشد تولید ناخالص داخلی از ۳/۴ درصد در سال ۷۶ به ۱/۶ درصد در سال ۷۸ کاهش یافت. نرخ تورم که بعد از اعمال سیاست تثبیت فروکش کرده بود در سال ۷۶ به ۱۷/۳ درصد رسید، ولی در سال ۷۷ دوباره به دلیل وقایع ذکر شده به عدد ۱۸/۳ درصد رسید. این روند صعودی قیمت‌ها در سال ۷۸ نیز ادامه یافت به گونه‌ای که نرخ تورم ۲۰/۱ درصدی در این سال مشاهده شد.

در طی سال‌های ۷۶ و ۷۸ نظام ارزی کشور تغییر عمده‌ای نداشت و کماکان مبتنی بر دو نرخ رسمی پایه و صادراتی بود. براساس مقرراتی که در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید نرخ واریزنامه، در پاره‌ای موارد جایگزین نرخ صادراتی شد. آثار تحرک اقتصادی که در اواخر سال ۷۸ نمایان شد، در سال ۷۹ بیشتر جلوه نمود. در این سال اکثر شاخص‌ها حکایت از تحرک و رونق بیشتر در فعالیت‌ها داشتند. در نه ماه اول سال ۷۹، متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی نسبت به دوره مشابه سال قبل ۷/۵۵ درصد رشد داشت. اقتصاد ایران در سال ۷۹ عملکرد بهتری را نسبت به سال قبل از آن نشان داد. در سال ۷۹ به دنبال حذف نرخ ارز صادراتی از سیستم ارزی کشور، نرخ گواهی سپرده ارزی و نرخ توافقی در کنار نرخ شناور مبنای محاسبه مبادلات ارزی کشور قرار گرفت.

۳،۱۱،۲. سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۰

اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری کشور با هدف تسهیل تجارت و مقررات زدایی از بخش خارجی اقتصاد ادامه یافت. در این سال‌ها، با اتکا به ذخایر مناسب ارزی، اندوخته حساب ذخیره ارزی و بسترسازی‌های مناسب در سال‌های قبل، یکسان سازی نرخ ارز با موفقیت اجرا گردید و نظام ارزی کشور شناور مدیریت شده (با حداکثر نوسان ۱۰ درصدی) اعلام شد.

۴,۱۱,۲. سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۴

در سال ۸۴ درآمدهای نفتی کشور به شدت افزایش یافت به طوری که درآمد صادرات نفتی کشور از حدود ۳۵ میلیارد دلار در سال ۸۳ به بیش از ۵۵ میلیارد دلار در سال ۸۴ و ۳۶۱ میلیارد دلار طی ۵ ساله منتهی به پایان سال ۸۸ رسید. در این دوره، به دلیل وفور درآمدهای ارزی، نرخ بازار آزاد و مرجع، دوشادوش هم در محدوده نوسانی حداکثر ۱۰ درصد نوسان داشته و سیاست نرخ شناور مدیریت شده در محدوده نوسان ۱۰ درصدی موفق بوده است.

۵,۱۱,۲. سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹

در سال‌های ۸۹ و ۹۰ همگام با افزایش درآمدهای نفتی و رسیدن به سقف ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۹۰، و افزایش دوباره نرخ تورم از ۱۱ درصد در سال ۸۸ به بیش از ۲۳ درصد در سال ۹۰، نرخ ارز در بازار آزاد از متوسط ۱۰ هزار ریال در سال ۸۸ به ۱۱ هزار در سال ۸۹ و ۱۹۱۵۰ ریال در سال ۹۰ افزایش یافت. در سال ۹۰ همگام با تشدید تنش‌ها در حوزه هسته‌ای و در نتیجه آن افزایش فشارهای اقتصادی بر کشور بخصوص در حوزه صادرات نفت، نرخ ارز در بازار آزاد به شدت افزایش یافته و به تبع آن، افزایش نرخ ارز مرجع توسط بانک مرکزی در دستور کار قرار گرفت. با ورود به سال ۹۱ و افزایش هرچه بیشتر تنش‌ها و فشارهای بین‌المللی علیه ایران و کاهش شدید صادرات نفت ایران به حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز و مشکلات و محدودیت‌های عدیده‌ای که در حوزه‌ی دریافت منابع ارزی حاصل از صادرات نفت ایجاد شد، ارزش دلار در بازار آزاد به ارقام ۴۰۰۰۰ ریال نیز رسید. ولی با افزایش دخالت‌ها و محدودیت‌های امنیتی در بازار و همچنین ایجاد نرخ جدیدی با عنوان "نرخ اتاق مبادلات ارزی"، این نرخ در محدوده ۳۰۰۰۰ ریال به نوسانات خود ادامه داد (شبهه پژوهش دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۲).

در نمودار شماره ۱ خلاصه‌ای از تحولات نرخ ارز در کشور طی دوره پس از انقلاب تا سال ۱۳۹۱ به صورت شماتیک نشان داده شده است.



نمودار ۱. تحولات نرخ ارز دولتی و آزاد طی دوره ۱۳۵۹-۱۳۹۱

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده و اهمیتی که این موضوع دارد بر آن شدیم تا به پژوهش و بررسی تأثیر نوسانات ارزش ارز بر شاخص‌های اقتصاد کشور بپردازیم.

۱۲،۲. پیشینه پژوهش

آکونجی (۲۰۱۳) در مطالعه خود نشان داده است که نوسان نرخ ارز در بلندمدت اثری مثبت روی رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادی تجاری کشور نیجریه داشته و اثر آن روی نرخ تورم منفی بوده است. راموس (۲۰۱۲) نشان داده است با توجه به اینکه در کشورهای درحال توسعه، مکانیسم انتقال سیاست پولی تا حدودی ضعیف بوده و هزینه‌های تولید به طور ضمنی و با توجه به شرایط و چشم‌انداز اقتصادی این کشورها بهینه نبوده و همواره بیش از سطح مطلوب آن است، اثر نرخ ارز روی تورم در این کشورها نسبت به کشورهای توسعه یافته، بیشتر است.

راجموند (۲۰۱۲) در مطالعه خود با استفاده از روش خودتوضیح‌برداری نشان داد که نوسانات نرخ ارز موجب تغییرات و تعدیل نرخ بهره داخلی کشورها شده است که این امر در کشوری مثل اسلواکی، چندین بار تکرار شده است. کورنیک و هوچت (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که برای اینکه کاهش ارزش پول ملی یک کشور بتواند در تراز تجاری اثری مثبت ایجاد کند، مجموع کسش قیمتی صادرات و واردات از لحاظ قدر مطلق باید از یک بزرگتر باشد. تا زمانی که کاهش ارزش پول ملی، به دلیل ارزان شدن کالاهای داخلی، دلالت بر افزایش حجم صادرات داشته باشد، در همان لحظه به دلیل بالا بودن هزینه واردات، تقاضای کمی واردات نیز کاهش خواهد یافت. اثر این دو پدیده افزایش حجم صادرات در قیمت‌های (درآمدهای ارزی) پایین و کاهش حجم واردات گران شده، بستگی به کسش قیمتی صادرات و واردات دارد. اگر کالاهای صادراتی نسبت به قیمت با کسش باشد، حجم صادرات بیشتر از کاهش قیمت‌ها (ارزش صادرات) افزایش خواهد یافت و درآمد کل صادراتی نیز به تبع آن افزایش خواهد یافت. به طور مشابه، اگر واردات نیز نسبت به قیمت‌ها با کسش باشد، کاهش حجم واردات نسبت به افزایش قیمت (هزینه) واردات بیشتر بوده و مخارج کل واردات ناشی از افزایش نرخ ارز کاهش خواهد یافت؛ در نتیجه، با فرض با کسش بودن صادرات و واردات نسبت به تغییرات قیمت‌ها (تغییرات نرخ ارز)، تراز تجاری در اثر کاهش ارزش پول ملی بهبود می‌یابد.

نتایج مطالعه برتو و برگانزا (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های پانلی، نشان می‌دهد که نرخ ارز تحت شرایط هدف‌گذاری تورم نسبت به حالت‌های دیگر بیشتر نوسان می‌کند. همچنین مداخلات ارزی در کشورهایی که دارای هدف‌گذاری تورم هستند، نقش مفیدی را در ممانعت از نوسان نرخ ارز خصوصاً کاهش ذخایر ارزی ایفا می‌کند.

کوموت و تورییک (۲۰۱۰) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که بحران اکتبر سال ۲۰۰۸ که موجب به هم خوردن تراز پرداخت‌ها بین چین و آمریکا شد، در شرایطی به نفع چین عمل کرده است که افزایش ارزش یوان نسبت به دلار در راستای بهبود مجدد تراز پرداخت‌ها بین دو کشور ضروری بوده است.

در مطالعه دیگری در این زمینه، جارامیلو و سارکر (۲۰۰۹) نشان دادند که نوسانات نرخ ارز بر روی واردات گوجه فرنگی از مکزیک به آمریکا، تأثیر مثبت دارد.

چن طی مطالعه‌ای که در سال (۲۰۰۹) انجام داد، نشان داد که نوسانات نرخ ارز بر صادرات کشاورزی کشور چین به ژاپن، تأثیر مثبت دارد.

فاروق و جاويد (۲۰۰۹) با استفاده از مدل خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به این نتیجه رسیده‌اند که عملکرد اقتصاد داخلی در بلندمدت نسبت به نوسانات نرخ ارز بسیار حساس بوده و بین رشد اقتصادی و نوسان نرخ ارز در بلندمدت، رابطه مثبتی وجود دارد.

وانگ و بارت (۲۰۰۷) در مطالعه خود در سال ۲۰۰۷ با استفاده از روش، GARCH به این نتیجه رسیدند که نوسانات نرخ ارز، صادرات محصولات کشاورزی از تایوان به آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که اثر معنی‌داری بر سایر بخش‌ها ندارد.

زمان‌زاده (۱۳۹۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده که در دهه اخیر به دلیل کاهش مداوم نرخ واقعی ارز، تولید و اشتغال کشور به طور مداوم تضعیف شده است و همچنین با توجه به بالا ماندن نرخ تورم، کاهش نرخ واقعی ارز نمی‌تواند اثر قابل توجهی بر نرخ تورم در بلندمدت داشته باشد و لذا پیامدها و اهداف اصلی مدیریت نرخ ارز، معکوس شدن روند نزولی نرخ ارز و افزایش آن در یک سیر صعودی هموار خواهد بود.

پرهیزکار (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای نشان داده که تغییرات نرخ ارز بر جریان نقدی انتظاری شرکت‌ها تأثیر قابل توجهی داشته است که در نهایت، بازدهی سهام و سرمایه شرکت‌ها نیز از این امر متأثر می‌شود. به عبارتی دیگر، تقویت پول ملی طی سال‌های گذشته موجب افزایش ۱۲ درصدی سهم واردات در عرضه تاجر خودرو به کشور شده است و با توجه به شرایط تورمی حاکم بر کشور، رشد هزینه تمام شده تولیدکنندگان تاجر داخلی از رشد نرخ ارزی اسمی بالاتر بوده و این امر منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها و به تبع آن از دست دادن بخشی از بازار شده است.

نتایج مطالعه آقایی و همکاران (۱۳۸۷) نیز بیانگر این واقعیت است که منبع اصلی نوسانات نرخ واقعی ارز در ایران، بیشتر ناشی از شوک‌های پولی و قیمت نفت است. با این اوصاف اختلالات پولی و قیمت نفت در ایران بر تحرکات نرخ واقعی ارز تأثیر می‌گذارد که نشان می‌دهد سیاست‌های پولی در ایران باید با احتیاط اجرا شود.

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین نوسانات ارزش ارز و بخش‌های مختلف اقتصاد کشور رابطه‌ای وجود دارد.

فرضیه فرعی

بین نوسانات ارزش ارز و بخش کشاورزی، صنعت، خدمات و نفت رابطه وجود دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی بوده و هدف آن، بررسی و آزمون تجربی تأثیر نوسانات ارزش ارز بر اقتصاد ایران و ساز و کارهای مدیریت نرخ ارز است. همچنین از نظر نحوه گردآوری داده‌ها این تحقیق از آن جهت که به شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد توصیفی است.

۱.۴. جامعه آماری

هدف از انجام هر تحقیقی، شناخت و پیش بینی یک پدیده در جامعه آماری است. جامعه آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. جامعه آماری این تحقیق کشور ایران می‌باشد.

۲.۴. روش جمع آوری داده‌ها

۱.۲.۴. تحقیق پیمایشی: رایج‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها در این روش با استفاده از مصاحبه و پرسش‌نامه است. داده‌های متغیرها، سالانه و از سالنامه‌های آماری بین‌المللی بانک جهانی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ استخراج شد. روش استخراج داده‌ها نیز کتابخانه‌ای می‌باشد.

۳.۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای بررسی رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته از روش‌های اقتصادسنجی و همچنین از نرم افزار Excel و Eviews به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها استفاده شد.

۴.۴. قلمرو مکانی و زمانی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، کشور ایران و دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

با استفاده از آزمون فیلیس پرون، مانایی متغیرهای مورد استفاده بررسی شد و نتایج ذیل حاصل شده است.

جدول ۱. مانایی متغیرها براساس آزمون فیلیس پرون

متغیرها		مقادیر بحرانی محاسبه شده	مقادیر بحرانی ۱ درصد	مقادیر بحرانی ۵ درصد	مقادیر بحرانی ۱۰ درصد
نرخ ارز واقعی	Exch	-۳/۸۹	-۳/۳۶	-۲/۶۶	-۲/۳۱
ارزش افزوده کشاورزی	Agri	-۸/۳۵	-۳/۳۶	-۲/۶۶	-۲/۳۱
ارزش افزوده صنعت	Indust	-۴/۳۴	-۳/۹۸	-۳/۲۶	-۲/۹۱
ارزش افزوده خدمات	Service	-۴/۴۴	-۳/۹۸	-۳/۲۶	-۲/۹۱
ارزش افزوده نفت	Oil	-۶/۹۴	-۳/۳۶	-۲/۶۶	-۲/۳۱

با توجه به انتقادات پرون از روش آزمون ریشه واحد دیکی فولر، در زمانی که شکست ساختاری در سری‌های زمانی وجود دارد، بررسی شکست ساختاری و آزمون ریشه واحد فیلیس پرون در صورت مصداق داشتن شکستگی ساختاری، ضروری است و این آزمون نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مدل در تفاضل اول و با عرض از مبدا مانا شده‌اند.

۱,۵. تعیین طول وقفه بهینه مدل

انتخاب درجه بهینه وقفه مدل VAR یکی از مراحل اصلی در تخمین مدل VAR است که نقش مهمی در تجزیه و تحلیل‌های این مدل بازی می‌کند. در این بررسی از معیارهای شوارز - بیزین، آکاییک، حنان کویین و همچنین آماره نسبت درست‌نمایی برای تعیین طول وقفه بهینه استفاده شده است. البته در عمل تمام این معیارها نتایج یکسانی برای تعیین درجه بهینه ارائه نداده‌اند.

جدول ۲. آزمون‌های آماری برای انتخاب وقفه بهینه مدل VAR

Order	LOGL	LR	FPE	AIC	SBC	HQ
0	-1339.455	NA	2.19e+33	88.96369	89.66429	89.18782
1	-1257.678	117.9407	5.32e+31	85.17851	86.05670*	85.77618
2	-1220.692	39.91685*	2.95e+31	84.37948	87.41541	85.35070
3	-1175.649	34.03491	1.30e+31*	83.04324*	87.24683	84.38800*

همان‌طور که نتایج جدول فوق (جدول ۲) نشان می‌دهد مقدار شوارتز (SBC) در وقفه یک برابر با ۸۶/۰۵۶۷۰ می‌باشد که در مقایسه با سایر مقادیر حداقل می‌باشد. بنابراین در این مدل وقفه بهینه یک انتخاب می‌شود. لازم به ذکر است که برای انتخاب تعداد وقفه بهینه در این مدل از معیار شوارتز استفاده شده است، زیرا این معیار بر اساس اصل پارسی مونس، وقفه‌های کمتری را پیشنهاد می‌کند و در نهایت یک مدل صرفه‌جویانه را ارائه می‌دهد.

۲,۵. نتایج برآورد الگوی تصحیح خطا برداری

در برآورد روابط بلندمدت، می‌بایست شناسایی این روابط در نظر گرفته شود. رابطه بلندمدت بین چند متغیر، ترکیب خطی بین آن‌ها است که منحصر به فرد نیست. در نرم افزار Eviews6، رابطه بلندمدت برآورد شده به صورت خودکار و براساس یکی از متغیرها نرمال شده است تا در نهایت رابطه‌ای منحصر به فرد به دست آید. رابطه بلندمدت موجود براساس متغیر نرخ ارز واقعی (EXCH) نرمال شده است. در روابط بلندمدت به دست آمده، الگوی تصحیح خطا برداری آثار خالص هر کدام از متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهد و به عبارتی رابطه هم خطی بین متغیرها در روابط بلندمدت، توسط مدل برآورد شده خنثی می‌شود.

جدول ۳. بردارهای هم‌انباشته‌کننده

	EXCH	Agri	Indust	Oil	Service
EXCH	1	-0.099479 (0.01406)	-0.011489 (0.00593)	0.063935 (0.00465)	0.012834 (0.00402)

بردارهای بلندمدت برآورد شده:

$$EXCH = 0.099479 Agri + 0.006503 Indust - 0.025066 Oil - 0.005416 Service$$

$$(0.01406) \quad (0.00854) \quad (0.000635) \quad (0.00592)$$

همان‌طور که از جدول (۳) مشخص شده است، ضریب ارزش افزوده بخش کشاورزی مثبت می‌باشد که نشان دهنده این است که کشاورزی بر نرخ ارز واقعی اثر مثبتی دارد همچنین ارزش افزوده بخش صنعت نیز رابطه مثبتی با نرخ ارز واقعی دارد اما با توجه به جدول فوق ضریب $ECM(-1)$ منفی (بین صفر و یک) و معنادار است. در نتیجه رابطه هم‌انباشتگی به دست آمده در بلندمدت صادق بوده و عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت با سرعت بالایی (با توجه به ضریب تصحیح خطا) به سمت تعادل بلندمدت تصحیح می‌شود.

جدول ۴. ضرایب تعدیل کوتاه مدت در مدل VECM

جملات تصحیح خطا (متغیرهای مستقل)	D(EXCH)	D(Agri)	D(Indust)	Oil	Service
Ecm(IEXCH- ILEXH*)-1	0	4.114850 (2.27367) [1.79924]	0.578776 (3.06328) [0.19744]	-18.33725 (3.15401) [-5.78677]	5.024746 (4.21159) [1.18815]

جدول ۵. نتایج حاصل از ضریب تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t
ECM (-1)	-۰/۱۰۲۰۲۴	-۰/۰۵۱۲۳	-۱/۶۵۵۲۳

با توجه به جدول فوق (جدول ۵) ضریب $ECM(-1)$ منفی (بین صفر و یک) و معنادار است. در نتیجه رابطه هم‌انباشتگی به دست آمده در بلندمدت صادق بوده و عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت با سرعت بالایی (با توجه به ضریب تصحیح خطا) به سمت تعادل بلندمدت تصحیح می‌شود.

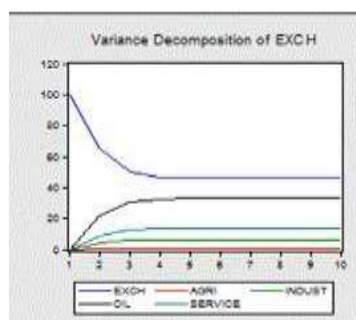
۳،۵ تجزیه واریانس (FEVDs)

در حالیکه توابع عکس‌العمل تحریک اثر شوک یک متغیر درون‌زا را بر دیگر متغیرهای مدل ترسیم می‌کند، تجزیه واریانس، تغییرات در یک متغیر درون‌زا را نسبت به شوک‌های متغیرهای درون‌زای دیگر تفکیک می‌کند، بنابراین تجزیه واریانس، اطلاعاتی در رابطه با اهمیت نسبی هر یک از شوک‌های تصادفی برای تحت تأثیر قرار دادن متغیر مدل، آماده می‌کند. تجزیه واریانس نرخ ارز نیز حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت و دوره‌های ابتدایی بخش بزرگی از واریانس خطای پیش‌بینی و نوسانات نرخ ارز را خودِ تکانه نرخ ارز و سپس به ترتیب تکانه ارزش افزوده نفت، خدمات، صنعت و کشاورزی توضیح می‌دهد، به طوری که در دوره اول از ۱۰۰ درصد نوسانات مربوط به تکانه نرخ ارز، ۱۰۰ درصد تکانه نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد و به تدریج از درصد توضیح‌دهندگی آن کاسته و به توضیح‌دهندگی بقیه عوامل می‌پردازد (جدول ۶). در دوره‌های میانی نیز این ترتیب از سهم توضیح‌دهندگی حفظ شده، با این تفاوت که برای مثال در دوره میانی، حدود ۴۴/۲۲ درصد نوسانات نرخ ارز واقعی، ۰/۷۸ نوسانات کشاورزی و ۶/۱۱ درصد را نوسانات صنعت و ۳۰/۸۶ درصد را نوسانات نفت و ۱۲/۷۵ درصد را نوسانات خدمات

می‌باشد. در دوره بلندمدت برای مثال در دوره دهم، حدود ۴۴/۱۱ درصد را نرخ ارز واقعی و ۰/۷۹۷ را ارزش افزوده کشاورزی و ۶/۲۳ درصد را ارزش افزوده صنعت و ۳۰/۸۶ واحد را نفت و ۱۲/۷۵ درصد را خدمات توضیح می‌دهد.

جدول ۶. تجزیه واریانس نرخ ارز واقعی

Period	S.E.	EXCH	AGRI	INDUST	OIL	SERVICE
1	49.14118	100.0000	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
2	64.65376	62.79416	0.183716	4.288276	19.51055	8.081276
3	73.58517	48.48122	0.575292	5.884673	28.09482	11.72397
4	76.49858	44.85692	0.740775	6.142975	30.40951	12.60979
5	77.08700	44.22950	0.788547	6.116642	30.86673	12.75856
6	77.15315	44.17627	0.795943	6.109003	31.00813	12.76963
7	77.17002	44.16352	0.795812	6.137897	30.89759	12.76515
8	77.18733	44.14360	0.795874	6.175749	30.88563	12.75913
9	77.20278	44.12562	0.796450	6.209247	30.87466	12.75400
10	77.21565	44.11065	0.797064	6.236740	30.86418	12.75132

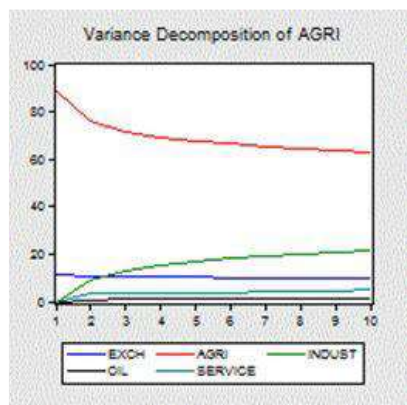


نمودار ۲. تجزیه واریانس نرخ ارز واقعی

تجزیه واریانس ارزش افزوده کشاورزی (جدول ۷) حاکی از آن است که بیش‌ترین واریانس خطای پیش‌بینی و نوسانات ارزش افزوده کشاورزی را خود شوک ارزش افزوده کشاورزی و سپس به ترتیب شوک صنعت، نرخ ارز، خدمات و نفت توضیح می‌دهد و تقریباً این روند تا آخر دوره باقی مانده است.

جدول ۷. تجزیه واریانس کشاورزی

Period	S.E.	EXCH	AGRI	INDUST	OIL	SERVICE
1	2114.061	10.56232	86.33568	0.000000	0.000000	0.000000
2	2275.133	9.82091	74.46465	8.036014	0.339562	3.203850
3	2354.082	9.54937	69.46441	12.00091	1.000197	3.823107
4	2393.078	9.34920	66.97152	14.45363	1.249500	3.804132
5	2422.587	9.19412	65.57170	16.06022	1.273166	3.730589
6	2442.434	9.04561	64.51686	17.23199	1.252485	3.781045
7	2461.062	8.896218	63.55001	18.18566	1.252950	3.944958
8	2479.815	8.746824	62.59431	19.03993	1.274577	4.172352
9	2498.938	8.598275	61.64278	19.85509	1.305497	4.426350
10	2528.473	8.450569	60.69285	20.65781	1.338321	4.688432

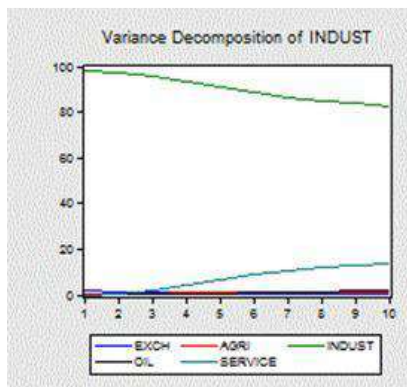


نمودار ۳. تجزیه واریانس کشاورزی

تجزیه واریانس صنعت (جدول ۸) نیز حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت و دوره‌های ابتدایی، به ویژه در پنج دوره اول، بخش بزرگی از واریانس خطای پیش‌بینی و نوسانات ارزش افزوده صنعت را خودِ تکانه صنعت و سپس به ترتیب تکانه خدمات، نفت و کشاورزی و نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد، به طوری که در دوره اول از ۱۰۰ درصد نوسانات مربوط به تکانه ارزش افزوده صنعت، ۹۶ درصد تکانه صنعت توضیح می‌دهد و به تدریج از درصد توضیح-دهندگی آن کاسته و به توضیح‌دهندگی بقیه عوامل می‌پردازد. در دوره‌های میانی نیز این ترتیب از سهم توضیح-دهندگی حفظ شده، با این تفاوت که برای مثال در دوره میانی، حدود ۰/۷۷ درصد نوسانات نرخ ارز واقعی، ۱/۱۴ نوسانات کشاورزی و ۸۸/۹۸ درصد را نوسانات صنعت و ۰/۴۶ درصد را نوسانات نفت و ۵/۶۱ درصد را نوسانات خدمات می‌باشد و در دوره بلندمدت برای مثال در دوره دهم، حدود ۰/۴۲ درصد را نرخ ارز واقعی، ۱/۴۳ درصد را کشاورزی، ۸۰/۵۵ درصد را صنعت، ۱/۸۰ واحد را نفت و ۱۲/۷ درصد را خدمات توضیح می‌دهد.

جدول ۸. تجزیه واریانس صنعت

Period	S.E.	EXCH	AGRI	INDUST	OIL	SERVICE
1	3729.209	1.973327	0.012625	96.01204	0.000000	0.000000
2	5116.207	1.501856	0.389234	95.36020	0.131683	0.605015
3	6093.299	1.179778	0.744731	93.78797	0.092835	1.182673
4	6905.294	0.942646	0.988246	91.50741	0.193351	3.356334
5	7629.715	0.772857	1.142298	88.98885	0.465891	5.618087
6	8306.045	0.654140	1.241291	86.63600	0.804484	7.652077
7	8968.753	0.570035	1.309462	84.62811	1.126074	9.35430
8	9565.764	0.510009	1.360387	82.98176	1.398656	10.73916
9	10162.29	0.462019	1.400934	81.64437	1.620395	11.86216
10	10742.21	0.421648	1.434500	80.55013	1.800083	12.78162

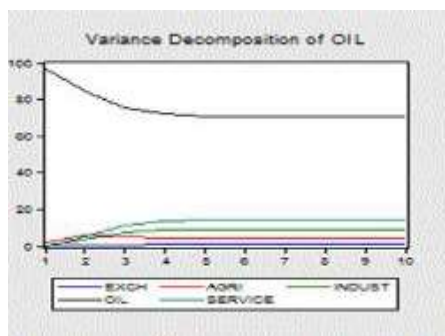


نمودار ۴. تجزيه واريانس صنعت

تجزیه واریانس نفت (جدول ۹) نیز حاکی از آن است که بیش‌ترین نوسانات صادرات را خودِ تکانه نفت و سپس به ترتیب تکانه خدمات، صنعت، کشاورزی و نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد، به طوری که در دوره اول از ۹۳/۰۴ درصد نوسانات مربوط به تکانه نفت، ۰/۷۳ درصد تکانه نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد. در دوره‌های میانی برای مثال در دوره پنجم، حدود ۱/۰۹ درصد نوسانات نرخ ارز واقعی، ۴/۴۳ نوسانات کشاورزی، ۸/۰۸ درصد را نوسانات صنعت، ۶۷/۴۴ درصد را نوسانات نفت و ۱۳/۵۸ درصد را نوسانات خدمات می‌باشد در دوره بلندمدت نیز برای مثال در دوره دهم، حدود ۱/۲۳ درصد را نرخ ارز واقعی، ۴/۳۸ را کشاورزی، ۸/۲۰ درصد را صنعت، ۶۷/۰۴ واحد را نفت و ۱۳/۷۹ درصد را خدمات توضیح می‌دهد.

جدول ۹. تجزيه واريانس نفت

Period	S.E.	EXCH	AGRI	INDUST	OIL	SERVICE
1	4193.521	0.730091	2.217366	0.570350	93.04219	0.000000
2	4497.581	0.635060	5.566384	3.606400	81.40892	5.213230
3	4853.040	0.699951	5.059781	6.209803	72.39502	10.29541
4	5097.505	0.918032	4.594367	7.661392	68.65856	12.82761
5	5191.005	1.097010	4.436468	8.089757	67.44899	13.58774
6	5218.403	1.189354	4.397556	8.186772	67.12413	13.76215
7	5223.766	1.223542	4.390521	8.202180	67.05371	13.79001
8	5224.440	1.232924	4.389623	8.203390	67.04188	13.79215
9	5224.493	1.234797	4.389531	8.203284	67.04039	13.79196
10	5224.513	1.235040	4.389514	8.203241	67.04025	13.79192

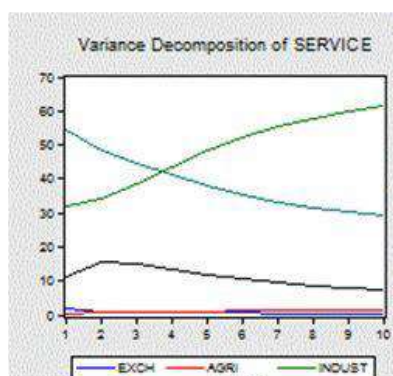


نمودار ۵. تجزيه واريانس نفت

تجزیه واریانس خدمات (جدول ۱۰) نیز حاکی از آن است که بیشترین نوسانات خدمات را خودِ تکانه نرخ خدمات و سپس به ترتیب تکانه صنعت، نفت، کشاورزی و نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد، به طوری که در دوره اول از ۱۰۰ درصد نوسانات مربوط به تکانه خدمات، ۵۱/۶۲ درصد تکانه خدمات توضیح می‌دهد. در دوره‌های میانی برای مثال در دوره پنجم، حدود ۰/۶۵ درصد نوسانات نرخ ارز واقعی، ۰/۹۷ نوسانات کشاورزی، ۴۵/۴۸ درصد را نوسانات صنعت، ۱۰/۹۹ درصد را نوسانات نفت و ۳۴/۸۶ درصد را نوسانات خدمات می‌باشد. در دوره بلندمدت نیز برای مثال در دوره دهم، حدود ۰/۳۸ درصد را نرخ ارز واقعی، ۱/۳۴ را کشاورزی، ۵۸/۲۵ درصد را صنعت، ۶/۵۱ واحد را نفت و ۲۶/۴۸ درصد را خدمات توضیح می‌دهد.

جدول ۱۰. تجزیه واریانس خدمات

Period	S.E.	EXCH	AGRI	INDUST	OIL	SERVICE
1	5769.193	2.122099	0.000272	30.08686	10.15988	51.62968
2	8491.870	1.016064	0.721439	32.29421	14.42602	45.52106
3	10431.84	0.820621	0.774266	36.55253	14.16039	41.67208
4	12009.70	0.733627	0.864960	41.72147	12.62081	38.03802
5	13407.20	0.652207	0.973213	45.48745	10.99769	34.86823
6	14700.89	0.576295	1.078603	49.40738	9.62854	32.28806
7	15920.34	0.511506	1.169560	52.48516	8.547004	30.26566
8	17086.30	0.458426	1.243581	54.87690	7.704506	28.69547
9	18209.51	0.415388	1.302614	56.75308	7.043138	27.46466
10	19298.44	0.380335	1.349854	58.25302	6.514545	26.48113



نمودار ۶. تجزیه واریانس خدمات

- بنابراین نتایج حاصل از آزمون تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی به شرح زیر بیان می‌شود:
- در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بیش‌ترین نوسانات موجود در نرخ ارز واقعی را خودِ شوک نرخ ارز واقعی توضیح داده و سپس بیش‌ترین نوسانات موجود در این شاخص را به ترتیب: نفت، خدمات، صنعت و کشاورزی توضیح می‌دهد.
 - بیش‌ترین نوسانات موجود در کشاورزی را خود کشاورزی و سپس به ترتیب صنعت، نرخ ارز واقعی، خدمات و نفت توضیح می‌دهد.

- بیش‌ترین نوسانات موجود در صنعت را نیز خود صنعت، خدمات، نفت، کشاورزی، نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد.
- بیش‌ترین نوسانات موجود در نفت را خود نفت و سپس به ترتیب: خدمات، صنعت، کشاورزی و نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد.
- بیش‌ترین نوسانات موجود در خدمات را خود خدمات و سپس صنعت، نفت، کشاورزی و نرخ ارز واقعی توضیح می‌دهد.

۴,۵. آزمون فرضیه‌ها

در پژوهش حاضر آزمون فرضیه‌ها به صورت زیر می‌باشد:

برای پاسخگویی به سوالات و آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های اقتصادسنجی و از نرم‌افزار Eviews 6 استفاده شد. برای آزمون فرضیه فرعی همانگونه که در رابطه بلندمدت مشاهده نمودیم بین نرخ ارز واقعی و ارزش افزوده بخش کشاورزی رابطه وجود دارد به طوری که چنانچه ارزش افزوده کشاورزی در کوتاه مدت ۱ واحد افزایش یابد نرخ ارز واقعی به میزان $4/11$ واحد افزایش می‌یابد. همچنین برای بررسی اثر نرخ ارز در اثر شوک وارد شده از سوی ارزش افزوده کشاورزی از تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس استفاده نمودیم بر این اساس دیده شد که بیش‌ترین اثر بر ارزش افزوده کشاورزی را بعد از صنعت، نرخ ارز واقعی دارا می‌باشد.

در رابطه کوتاه‌مدت بدست آمده بین نرخ ارز و ارزش افزوده بخش صنعت نیز رابطه وجود دارد. چنانچه ارزش افزوده صنعت یک واحد افزایش یابد نرخ ارز واقعی به میزان $0/578$ واحد افزایش می‌یابد و اثر مثبتی را بر روی نرخ ارز واقعی دارد و برای بررسی شوک ارزش افزوده صنعت نیز از تابع واکنش آنی و انحراف معیار استفاده شد. بر این اساس شوک وارده از سوی ارزش افزوده صنعت کمترین اثر را بر روی نرخ ارز واقعی دارا می‌باشد.

در رابطه بلندمدت بدست آمده بین نرخ ارز و خدمات نیز رابطه وجود دارد. چنانچه خدمات یک واحد افزایش یابد نرخ ارز واقعی به میزان $5/024$ واحد افزایش می‌یابد و برای بررسی شوک خدمات نیز از تابع واکنش آنی و انحراف معیار استفاده شد. بر این اساس شوک وارده از خدمات بعد از خودش کمترین اثر را بر روی نرخ ارز واقعی دارا می‌باشد.

در رابطه بلندمدت بدست آمده بین نرخ ارز و ارزش افزوده نفت نیز رابطه وجود دارد. چنانچه ارزش افزوده نفت یک واحد افزایش یابد نرخ ارز واقعی به میزان $18/33$ واحد افزایش می‌یابد و اثر مثبتی را بر روی نرخ ارز واقعی دارد و برای بررسی شوک نفت نیز از تابع واکنش آنی و انحراف معیار استفاده شد. بر این اساس شوک وارده از نفت بیش‌ترین اثر را بر روی نرخ ارز واقعی می‌گذارد.

۶. نتیجه‌گیری

نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلیدی به لحاظ تأثیرگذاری روی سایر متغیرهای اقتصادی، حساسیت زیادی به خود گرفته است. در واقع یکی از مهمترین بحث‌ها و چالش‌های مطرح در اقتصاد کلان اثر نوسانات ارزش ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی است. مقاله حاضر حاضر نیز در پی، بررسی تأثیر نوسانات ارزش ارز بر شاخص‌های اقتصادی کشور بوده است.

وابستگی نرخ ارز واقعی به ارزش افزوده نفت در مدل پژوهش تأیید شده و چون نوسانات قیمت نفت در درآمدهای حاصله تأثیرگذار است بنابراین افت درآمد نفت ایران در چندسال گذشته مشکل معکوسی ایجاد کرده است. از قبل قابل پیش‌بینی بود که تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمد نفت عاقبت موجب افزایش نرخ ارز واقعی خواهد شد؛ اما دولت سعی کرد نرخ ارز اسمی را تقریباً ثابت نگه دارد، به تصور اینکه می‌تواند به این وسیله تورم را کنترل کند. ولی نرخ ارز واقعی نمی‌توانست پایین بماند، چون تقاضا برای واردات بالا مانده بود و صادرات غیر نفتی، رشد لازم را نداشت. دلار هم به اندازه کافی در اختیار نبود تا کسری بازرگانی تأمین گردد. بنابراین می‌توان گفت که سیاست‌گذاری ارزی نمی‌تواند جدا از سیاست‌های کلان دیگر باشد؛ به خصوص، باید در کنار سیاست‌گذاری نرخ ارز، برای تورم، رشد نقدینگی، کسری بودجه دولت، نرخ بهره و متغیرهای مهم دیگری مثل قیمت حامل‌های انرژی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری شود تا مجموعه این سیاست‌ها همخوانی و اعتبار داشته باشد.

پیامدهای کاهش نرخ واقعی ارز در این دوره، افزایش سریع واردات و افزایش مداوم کسری تراز تجاری غیرنفتی از یک طرف و تضعیف تولید از طرف دیگر بوده است. به علاوه، کاهش نرخ واقعی ارز در کنترل تورم نیز مؤثر واقع نشده است. اگر چه نرخ ارز در دهه هشتاد، در یک مسیر تعادلی حرکت کرده، اما این مسیر برای نرخ ارز با توجه به شرایط اقتصاد ایران، برای عملکرد اقتصاد کشور بهینه نبوده است. در شرایط فعلی اقتصاد کشور، به خصوص پس از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از یک طرف و افزایش تحریم‌های اقتصادی از طرف دیگر، جهش نرخ غیررسمی ارز در بازار آزاد، عدم تعدیل نرخ رسمی ارز و بازگشت به نظام ارزی دو نرخ، چالش جدیدی در تعیین نرخ ارز را ایجاد نموده است. در چنین شرایطی، تعیین نرخ بهینه ارز و تلاش برای دستیابی به آن مهم‌ترین مسئله در اعمال سیاست ارزی است. با توجه به شرایط اقتصاد ایران، نرخ بهینه ارز، نرخ رسمی است که چهار هدف مهم را تأمین نماید.

۱- قدرت رقابتی اقتصاد کشور در بازارهای بین‌المللی را حفظ کند و شکاف گسترده میان صادرات غیرنفتی و واردات، که منجر به بروز کسری بزرگ تراز تجاری (غیرنفتی) شده است، را کاهش دهد.

۲- قدرت رقابتی تولیدکنندگان در اقتصاد داخلی را در برابر رقبای خارجی و سیل واردات کالاهای آنان حفظ نماید.

۳- از کاهش ذخایر ارزی جلوگیری نموده و ذخایر ارزی کشور را در سطحی مطلوب حفظ کند.

۴- از تداوم نظام دو نرخ ارز جلوگیری نموده و با بازگشت به نظام تک نرخ ارز، فرصت‌های بزرگ رانت‌جویی در بازار ارز را از بین ببرد.

در نهایت اینکه مسیر تغییر نرخ ارز به سمت نرخ بهینه ارز باید به صورت هموار بوده و از بی‌ثباتی گسترده نرخ ارز و بروز نااطمینانی‌های شدید ارزی پرهیز شود. در واقع اهداف اصلی مدیریت نرخ ارز در شرایط فعلی اقتصاد کشور شامل بهبود تراز تجاری غیرنفتی، بهبود وضعیت تولید و اشتغال، حفظ ذخایر ارزی، حفظ نظام تک‌نرخ ارز و حفظ ثبات در بازار ارز است. با توجه به پیامدها و اهداف اصلی مدیریت نرخ ارز، به نظر می‌رسد مسیر بهینه نرخ ارز در شرایط فعلی، تعدیل نرخ رسمی ارز به صورت هموار در جهت کاهش شکاف میان نرخ رسمی و غیررسمی ارز و بازگشت به نظام تک‌نرخ ارز می‌باشد.

با توجه به ساختار بازار ارز در ایران، سیاست ارزی از طریق مدیریت عرضه ارز توسط دو مرجع دولت و بانک مرکزی اعمال می‌شود. به علاوه، این دو مرجع جهت اعمال سیاست ارزی در طول یکدیگر قرار دارند. در واقع در اعمال سیاست

ارزی، ابتدا سیاست‌های دولت در زمینه مدیریت ذخایر حساب ذخیره ارزی تعیین می‌نماید چه میزان از درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور تزریق شود و در طول آن، سیاست‌های بانک مرکزی در مدیریت ذخایر ارزی بانک مرکزی تعیین می‌کند که چه میزان از این درآمدهای تزریقی توسط دولت، به بازار ارز عرضه شود. در سال‌های دهه هشتاد (به جز سال ۸۸) که درآمدهای نفتی از یک روند صعودی برخوردار بوده است، دولت بخش اعظم درآمدهای نفتی را به اقتصاد کشور تزریق نموده به نحوی که حساب ذخیره ارزی دارای مازاد چندانی نبوده است. در مقابل، بانک مرکزی در این دوره تلاش کرده است تا با انباشت دارایی‌های ارزی خود، از افزایش بیش از حد عرضه ارز به بازار و به تبع آن کاهش شدیدتر نرخ ارز جلوگیری کند. بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی اقتصاد کشور، سیاست مناسب ارزی در کوتاه‌مدت از یک سو افزایش نرخ رسمی ارز و از سوی دیگر تزریق بیشتر ذخایر ارزی در بازار جهت کاهش نرخ غیررسمی ارز است به نحوی که بازار ارز در نرخی به تعادل برسد که اهداف اصلی سیاست ارزی در راستای افزایش قدرت رقابتی اقتصاد کشور، حفظ ذخایر ارزی، حفظ نظام تک‌نرخ ارز و حفظ ثبات نرخ ارز را تأمین کند. در کنار این رویکرد، دولت می‌بایست سیاست‌های جدی‌تری را برای بهبود بهره‌وری و انعطاف‌پذیری در اقتصاد، طرح و اعمال کند.

References

- Aghaei, K., Jabbari, A., & Karimi, M. (2008). Investigating the sources of macroeconomic fluctuations with emphasis on the real exchange rate during the years 1970-2005; *Quarterly Journal of Economic Research*, 8(2), 41-61 (in Persian).
- Akonji Danmola, R. (2013). The Impact of Exchange Rate Volatility on the Macroeconomic Variables in Negeria. *European scientific journal*, 9(7), 152-165.
- Asseery, A., & Peel, D. A. (1991). The effects of exchange rate volatility on exports: Some new estimates. *Economics Letters*, 37(2), 173-177.
- Baghizian, A. (1998). Investigating the Relationship between Non-Oil Export Growth and Economic Growth. PhD Thesis, Shahid Beheshti University of Tehran. Faculty of Economics and Political Science (in Persian).
- Bernanke, B., & Gertler, M. (1989). Agency costs, net worth, and business fluctuations. *The American Economic Review*, 14-31.
- Bleakey, H., & Cowan, K. (2005). Corporate dollar debt and devaluations: much ado about nothing? Working Paper, Inter-American Development Bank, Research Department, No. 532.
- Broll, U., & Eckwert, B. (1999). Exchange rate volatility and international trade. *Southern Economic Journal*, 178-185.
- Broto, C., & Berganza, J. C. (2011). Flexible Inflation Targets, Forex Interventions and Exchange Rate Volatility in Emerging Countries. *Banco DE-Espana, Eurosistema*, 1105.
- Central Bank balance sheets 1961-2002 and economic indicators 2002, 2003, 2004 (in Persian).
- Chen, L. (2009). The Effect of China's RMB Exchange Rate Movement on Its Agricultural Export: A Case Study of Export to Japan. *International Association of Agricultural Economists Conference*. Beijing. China. 16-22.
- Cot, A. (1994). Exchange Rate Volatility and Trade: A Survey. Working Paper, 5-94, Bank of Canada.
- Court of Audit Research Network. (2013). Analytical exchange rate report. (www.Pazhoohesh.dmk.ir) (in Persian).

- Doroodian, K. (1999). Does exchange rate volatility deter international trade in developing countries. *Journal of Asian Economics*, 10(3), 465-474.
- Eichengreen, B. (2007). The real exchange rate and economic growth. *Social and Economic Studies*, 7-20.
- Faraji, Y. (2010). *Money, Currency and Banking*. Tehran: Commercial Publishing Company, 14th edition (in Persian).
- Farooq, M., & Javed, Z. H. (2009). Economic Growth and Exchange Rate Volatility in Case of Pakistan. *Journal of Life and Social Sciences*, 17(2), 112-118.
- Greenaway, D., & Kneller, R. (2007). Firm heterogeneity, exporting and foreign direct investment. *The Economic Journal*, 117(517).
- Gueria, J., & Revil, L. (2002). Exchange Rate Volatility and Growth in university of Amiens.
- Hooper, P., & Kohlhagen, S. W. (1978). The effect of exchange rate uncertainty on the prices and volume of international trade. *Journal of international Economics*, 8(4), 483-511.
- Jaramillo-Villanueva, J. L., & Sarker, R. (2009). Exchange Rate Sensitivity of Fresh Tomatoes Imports from Mexico to the United States. *International Association of Agricultural Economists Conference*, Beijing, China.
- Kandil, M. (2000). The Asymmetric effects of Exchange Rate Fluctuations. Theory and Evidence from Developing Countries. IMF working paper, 184 pp.
- Komot, G., & Thorbecke, W. (2010). Investigating the Effect of Exchange Rate Changes on Transpacific Rebalancing. *Asian Development Bank Institute Working Paper Series*.
- Korinek, J., & Huchet Bourdon, M. (2011). To What Extent Do Exchange Rates and Their Volatility Affect Trade? *OECD Trade Policy Papers*, 119.
- Liang, S. H. I. (2016). Research on the Impact of the Fluctuation of RMB Exchange Rate on China's Import and Export Trade. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (icss).
- Mensah, L., Bokpin, G. A., & Dei Fosu-Hene, E. (2017). Foreign exchange rate moments and FDI in Ghana. *Journal of Economics and Finance*, 41(1), 136- 152.
- Mishkin, F. (1999). *Money, Currency and Banking*, translated by Ali Jahankhani and Ali Parsayan. 201 (in Persian).
- Mousavi Mohseni, R., & Sobhanipour, M. (2008). Study of exchange rate passage in Iran's economy. *Economic Research Journal, Special Issue of Economic Adjustment Plan. No. 4: 129-149* (in Persian).
- Obstfeld, M., & Roggoff, K. (1998). Risk and Exchange Rates, NBER Working Paper, 6694.
- Parhizkar, H. R. (2009). Investigating the impact of the country's rubber industry on foreign exchange policies; By order of Tire Industry Association, Tehran (in Persian).
- Rajmund, M. (2012). Macroeconomic Aspect of Real Exchange Rate Volatility in the Central European Countries. *Munich Personal Repec Archive*, 40910.
- Ramos, R. A. (2012). Intersections between exchange rate and inflation policies in IMF Recommendations. *The International Policy Center for Inclusive Growth, UNDP and the Government of Brazil*.
- Rashid, A., & Waqar, S. M. (2017). Exchange rate fluctuations, firm size, and export behavior: an empirical investigation. *Small Business Economics*, 1-17.
- Samsami, H. (1999). Study and compilation of exchange rate determination model, PhD thesis, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University (in Persian).
- Schnabl, G. (2009). Exchange rate volatility and growth in emerging Europe and East Asia. *Open Economies Review*, 20(4), 565-587.

- Seyed Hashemi Puroldi, M. (2010). The effects of exchange rate uncertainty on investment in Iran. Application of Bounds test approach in collective, Master Thesis, Faculty of Economics and Management, Urmia University (in Persian).
- Stanners, W. (1993). Is Low Inflation an Important Condition for High Growth? Cambridge Journal of Economics, Oxford University Press, 17(1), 79-107.
- Sun, C., Kim, M., Koo, W., Cho, G., & Jin, H. (2002). The Effect of Exchange Rate volatility on wheat Trade Worldwide. Working Paper. Center for Agricultural Policy and Trade studies.
- Wang, K. L., & Barrett, C. (2007). Estimating the Effects of Exchange Rate Volatility on Export Volumes. Journal of Agricultural and Resource Economics, 2, 225-255.
- Zamanzadeh, H. (2011). Exchange rate management in the Iranian economy. Journal of Economic News, 8(130), 41-48 (in Persian).